



فشار مضاعف مالیاتی به تولید



مسئولیت تصمیمات اقتصادی دکتر مهدی فیضی عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی

«پوست در بازی» (Skin in the Game) عنوان کتابی از نسیم طالب و مفهومی در تصمیم‌گیری و مدیریت ریسک به معنای شریک بودن تصمیم‌گیر در پیامدهای تصمیم، چه سود و چه زیان و سهم داشتن او در ریسک‌های آن است. وقتی سیاستگذار پوست در بازی دارد، تنها تجویزکننده یک برنامه کلان در کشور نیست، بلکه همه پیامدهای اقتصادی-اجتماعی آن را در زندگی شخصی‌اش نیز تجربه می‌کند و در قبال نتایج حتی ناخواسته سیاست پیشنهادی‌اش نیز پاسخگوست؛ مانند فرماندهی که تنها دستور جنگ نمی‌دهد و همراه سربازان خود به جبهه جنگ می‌رود.

سیاستگذار گاه در مورد مسائلی مانند فیلترتنگ یا قیمت بنزین، تصمیم می‌گیرد که خود ضرورتاً درک وجودی و از نزدیک از آنها ندارد؛ چراکه نه برای جابه‌جایی از خودروی شخصی یا حتی اینترنتی استفاده می‌کند و نه برای اتصال به دنیای آزاد اینترنت از انواع فیلترشکن‌ها. به این ترتیب، او دستی بر آتش تصمیم‌گیری دارد، بی‌آنکه پاسخ‌گیر دودها و سوختن‌های ناشی از آن باشد. تلاش برای پوست در بازی داشتن سیاستگذار به نوعی تلاش برای پرده برانداختن از دیوان‌سالاری و درگیر کردن سیاستگذار در تصمیم‌هایی است که برای زندگی روزمره و معیشت میلیون‌ها نفر می‌گیرد. به این ترتیب، سیاست با دقت و واقع‌بینی بیشتری طراحی می‌شود (مثلاً به‌صورت آزمایشی میدانی در مقیاس کوچک به جای اجرای ناگهانی در کل کشور) و انگیزه کمتری برای فساد یا تصمیم‌گیری به نفع گروه‌های خاص وجود خواهد داشت. درحالی‌که وقتی سیاستگذار پوست در بازی ندارد، قدرت و مسوولیت او از هم جداسافت و ممکن است ریسک‌های غیرمنطقی را به دیگران، به‌خصوص طبقات فرودست، تحمیل کند.

لازمه درس گرفتن از خطاهای سیاسی، پذیرش مسوولیت پیامدهای آن در وهله اول است و گر نه اگر کسی در نهایت پیامدهای ناخواسته اجرای سیاست را گردن نگیرد، همه درها و اسپیک‌های ناشی از اجرای سیاست منجر به هیچ بهبودی در سیاست‌گذاری‌های آینده نمی‌شود؛ همچنان که تجربه‌های تلخ دهه‌ها قیمت‌گذاری دستوری و انبساط‌گرایی‌های چندگانه در ارز، تلنگری به سیاستگذار برای درس‌آموزی از کاستی‌های این سیاست‌ها نزد. ساختار نهادی بوروکراتیک در کشور با انواع شوره‌های عالی که حیطه مسوولیت و جایگاه پاسخ‌گویی آنها شفاف و مشخص نیست، باعث شده است که نظام تصمیم‌گیری بتواند در پشت این تاروپود پیچیده ناپیدا شود، بی‌آنکه در نهایت مشخص شود مسوولیت تصمیم یا چه نهادی بوده و چه کسانی قرار است پاسخ‌گویی پیامدهای آن باشند. درحالی‌که وقتی مردم بدانند کسی هست که مسوولیت سیاست جدید را به عهده می‌گیرد و در برابر پیامدهای ممکن آن پاسخ‌گوست، به سیاست جدید بیشتر اعتماد می‌کنند؛ به‌خصوص در شرایطی که سرمایه اجتماعی برای اجرای سیاست‌های پر دامنه (از نظر گستره افرادی که از آن متاثر می‌شوند) و پرحاشیه (به‌دلیل سابقه تاریخی آن) کم باشد، ضرورت وجود متولی مشخص که پای خود را زیر سیاست پیشنهادی کرده باشد و از خود در این میدان مایه بگذارد، بیش از پیش است.

در انتخاب‌های سیاسی از قضا عموماً بین سود و زیان‌های محتمل ناهم‌زمانی وجود دارد. به این ترتیب که معمولاً در کوتاه‌مدت وزنه سود یا زیان سنگین‌تر است؛ درحالی‌که در بلندمدت موازنه کاملاً تغییر می‌کند. برای مثال، سیاست‌های محیط زیستی در کوتاه‌مدت رفاه افراد را با استفاده کمتر از سوخت‌های فسیل کاهش می‌دهد، اما طبیعتاً در افق بین‌نسلی به سود همه انسان‌هاست. افق زمانی سیاستمداران و طبیعتاً سیاستگذاران معمولاً کوتاه‌مدت و براساس دوره‌های انتخاباتی تنظیم می‌شود. به این ترتیب، موفقیت آنها در با پیامدهای بلندمدت، بلکه با دست‌نخوردهای قابل‌لمس در زمان حاضر، مانند پرداخت یارانه‌ها یا ایجاد شغل موقت، سنجیده می‌شود.

این ناسازگاری زمانی (Time Inconsistency) سیاست‌گذاری به پوست در بازی نداشتن دامن می‌زند و باعث می‌شود سیاستگذار به این سمت گرایش داشته باشد که منافع کوتاه‌مدت سیاست پیشنهادی (در زمانی که او بر سر قدرت است)، مانند رضایت رای‌دهندگان و حمایت گروه‌های ذی‌نفع، را به هزینه‌های بلندمدت آن؛ مانند فشار بر نسل‌های آینده (در زمانی که او دست از قدرت شسته و پوست از بازی خارج کرده)، ترجیح دهد. این گونه است که زیربنای بلندمدت سیاست‌ها، مانند بدهی دولتی انباشته و تخریب محیط‌زیست، معمولاً پس از پایان دوره مسوولیت یا حتی حیات سیاستگذاران ظهور می‌کنند؛ زمانی که سیاستگذاران بازخواست نخواهند شد.

پوست در بازی یک قاعده ساده ولی عمیق است که نبود آن را می‌توان در بسیاری از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، مانند بحران مالی ۲۰۰۸، ردیابی کرد. در سیاست‌گذاری، پوست در بازی، نه تنها یک اصل اخلاقی، بلکه یک ضرورت کارکردی برای ایجاد نظام‌های انعطاف‌پذیر، عادلانه و به‌طور خاص قیمت‌بنزین می‌تواند به تصمیم‌گیری عادلانه‌تر و مکانیسم‌های جبرانی قوی‌تر (با در نظر گرفتن هزینه‌های واقعی برای همه اقشار)، توزیع عادلانه‌تر درآمدهای حاصل و افزایش اعتماد عمومی (از طریق شفافیت و مسوولیت‌پذیری) و کارآمدی بیشتر سیاست و ارتباط مستقیم‌تر بین افزایش قیمت و بهبود خدمات عمومی (با سهمی بودن سیاستگذار در سود و زیان‌های ناشی از سیاست) منجر شود.

هدشار تعطیلی در بخش صنعت

تاسیس یک بنگاه صنعتی و اشتغال‌زایی در این بخش نیازمند سرمایه قابل توجه، نیروی کار متخصص و تکنولوژی...

صفحه ۲

پایان شرکت‌داری «با زمین دولتی»

جزئیات تصویبنامه ۱۴ صنف‌های شورای عالی اداری با امضای معاون اول رئیس‌جمهور در قالب...

صفحه ۴

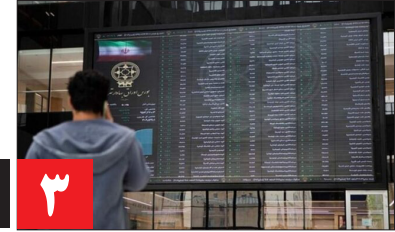
تلگرام؛ باتوق کلاهر داران خارجی

وقتی بیش از یک دهه پیش، بازارهای سیاه مواد مخدر، اسلحه و انواع کالاها قاچاق...

صفحه ۶

فشار مضاعف مالیاتی به تولید

کریم حسن پور - صنایع کشور طی سال‌های اخیر زیر فشار ناترازی انرژی، سیاست‌های ارزی ناکارآمد و تصمیم‌گیری‌های غیرقابل پیش‌بینی، ظرفیت رقابت‌پذیری خود را از دست داده و تضعیف شده‌اند.



لیدری بورس در لیگ بازارها



خفگی اقیانوس‌ها با هجوم خاموش ریز پلاستیک



بدون نقل و انتقالات، بدون میزبانی

ایران است. مجلس باید برای کوچک شدن دولت فکر کند. مجلس باید دولت را موظف کند تا آنچه را که قابل واگذاری است، در اختیار بخش خصوصی قرار دهد. باید دولت وارد مقام نظارتی خود شود و دلیلی ندارد که در هر بخشی شاهد حضور دولت باشیم. دولتی که دیگر منابع ندارد چرا باید تا این حد بزرگ باشد و مدام استقراض کند. پس بهتر است که یکبار برای همیشه فعالیت‌های قابل واگذاری را رومییمه بگذرد و اجرا کنیم. این فعال اقتصادی تنها راه مقابله با تورم را تولید دانست و گفت: باید رویکرد بودجه، حمایت واقعی از تولید باشد.

محمود نجفی‌عرب، رئیس اتاق بازرگانی تهران نیز تصریح کرد: سال ۱۴۰۵ سال سوم اجرای برنامه هفتم است و باید ابزار لازم برای اجرای این قانون بالادستی را در بودجه سالانه ببینیم؛ اما چنین رویکردی را در لایحه بودجه، شاهد نیستیم. او در ادامه از بی‌توجهی لایحه بودجه نسبت به بخش فناوری و حوزه دیجیتال انتقاد کرد و افزود: لایحه بودجه خطمشی مشخصی برای توسعه اقتصاد دیجیتال و هوشمندسازی ندارد. عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران همچنین افزایش ۴۶ درصدی مالیات اشخاص حقوقی را اقدامی ضد تولید عنوان کرد و افزود: این سیاست می‌تواند فشار مضاعف بر واحدهای تولیدی و خانوار ایجاد کند و ظرفیت سرمایه‌گذاری و نقدینگی بخش خصوصی را محدود سازد.

رشد قیمت کالاهای اساسی در بودجه ۱۴۰۵ در ادامه نیز محمدرضا فاروقی، رئیس کمیسیون گمرک اتاق بازرگانی ایران، با نگاهی به لایحه بودجه ۱۴۰۵ تصریح کرد: در این لایحه شاهد رویکرد افزایش حقوق ورودی هستیم که می‌تواند روی نهادهای انواع کالاهای وارداتی از جمله ۱۳ قلم کالای اساسی تأثیر بسزایی داشته باشد. در بودجه‌های سننواتی گذشته همواره به‌گونه‌ای رفتار می‌شد که این حقوق ورودی افزایش نمی‌یافت و در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ این رویکرد حذف شده است.

همچنین شهرام زارع، رئیس اتاق بازرگانی شهر کرد، از نمایندگان مجلس درخواست کرد تا سطح روابط دولتی را با فعالان اقتصادی ارتقا دهند. این فعال اقتصادی بودجه سال آینده را اقلیاضی توصیف کرد و البته برای برخی ارگان‌ها این چنین نیست. او در ادامه گفت: این بودجه به کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش تعطیلی واحدهای تولیدی، رشد تورم و جلوگیری از اشتغال‌زایی در استان‌های کمتر توسعه‌یافته منجر خواهد شد. اگر دولت از تولید حمایت کند، درآمدهای مالیاتی افزایش می‌یابد. پس حمایت از تولید یک ضرورت است و باید از شوک قیمتی در حوزه انرژی براساس بودجه، جلوگیری شود.

حرکت به سوی فعالیت‌های غیر شفاف احمد آتش‌هوش، رئیس کمیسیون حقوقی اتاق بازرگانی ایران در بخش دارو، پیشنهاد داد: از آنجا که بخش قابل‌توجهی از مواد اولیه دارو مدنظر است با ارز تالار دوم وارد می‌شده و امروز تالار دوم حذف شده است، باید در بودجه یک فکر اساسی کرد تا واردکنندگان مواد اولیه دارو به دنبال حذف تالار دوم، دچار مشکل نقدینگی نشوند. این فعال اقتصادی تصریح کرد: مدتی است که داروها بدون تخصیص ارز، توسط واردکننده وارد شده و با اعتماد به سیستم و با قیمت دستوری عرضه شدند. حال این شرکت‌ها باید برای ادامه فعالیت خود، ارز آزاد تهیه کنند. این مابه‌التفاوت باید در بودجه ۱۴۰۵ پرداخت شود.

محمد حاکمی، رئیس اتاق بازرگانی خرم‌آباد، نیز به شرایط مالیاتی در لایحه بودجه سال آینده، اشاره کرد و گفت: بیم آن می‌رود که فعالیت‌های رسمی به‌دلیل فشارهای مالیاتی به سمت فعالیت‌های غیرشفاف برس. پس باید به اجزای مالیات توجه شود و برای رشد درآمد مالیاتی سراغ مؤذیان جدید برویم. او تعیین زمان را در بودجه برای بازگشت منابعی که باید به مناطق کم‌برخوردار بازگردد نیز ضروری خواند.

ابراهیم بهادرانی، مشاور اتاق بازرگانی تهران، نسبت به عدم دریافت نظرات بخش خصوصی درباره بودجه ۱۴۰۵ توسط دولت انتقاد کرد و در ادامه مبنای تورم ۴۰ درصدی را در بودجه ۱۴۰۵ نادرست خواند و گفت: این رقم در مقایسه با واقعیت، کمتر است. از سوی دیگر درحالی‌که مدام از ضرورت خصوصی‌سازی صحبت می‌کنیم، بخش قابل‌توجهی از بودجه به شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی اختصاص پیدا کرده است. او وضعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط را نیز نامساعد خواند. بهادرانی گفت: بودجه این پیام را منتقل می‌کند که نمی‌تواند خصوصی‌سازی کند و قادر به فروش نفت نیست، پس دنبال استقراض رفته است که راهکار درستی نیست.

بوده و فعالیت‌های تولیدی و تجاری در سطح پایینی دنبال می‌شود. برای همین انتظار داریم دولت و مجلس با همکاری یکدیگر راهکارهایی پیش روی فعالان اقتصادی قرار دهند.

بخش خصوصی در حاشیه

در ادامه پیام باقری، نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران، به مباحث مربوط به بودجه ۱۴۰۵ اشاره کرد. او گفت: باید اقتصاد را به سمت رونق و توسعه هدایت کند، اشاره و تأکید کرد: اینکه نمایندگان مجلس با حساسیت بالا بودجه را مورد بررسی قرار دادند و اصلاحاتی را در آن اعمال کردند، ارزشمند است. البته باید گفت متأسفانه دولت در جریان تدوین بودجه از بخش خصوصی نظرخواهی نکرد؛ درحالی‌که طبق قانون، بخش خصوصی که میدان‌دار اقتصاد است، باید از همان ابتدا در جریان تصمیم‌گیری‌ها قرار می‌گرفت. همچنین محمدرضا رضانی، معاون امور مجلس اتاق بازرگانی ایران، یکی از مطالبات بخش خصوصی درباره اصلاح لایحه بودجه ۱۴۰۵ را حذف ۲ درصد مالیات ارزش‌افزوده عنوان کرد و اجرایی شدن این مطالبه از طرف نمایندگان مجلس در کمیسیون تلفیق بودجه را اقدامی ارزشمند توصیف کرد.

تداوم ریسک‌های اقتصادی

در بخش بعدی این نشست عیسی منصور، رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران، نکات مهم لایحه بودجه ۱۴۰۵ را مرور کرد و در این رابطه به توجه جدی دولت نسبت به کاهش درآمدهای نفتی متناسب با آن تلاش برای افزایش درآمدهای خود از روش‌های دیگر اشاره کرد. او ادامه داد: در لایحه بودجه سال آینده، حوزه مالیاتی ۲۲ درصد رشد داشته، نرخ ارز مبنای ورودی و انتشار اوراق مالی و دیگر محل‌ها برای تأمین منابع، افزایش قابل‌توجهی یافته است. از طرفی یکی از موضوعات مهم که برگرفته از لایحه بودجه ۱۴۰۵ است مربوط به تداوم نامنی اقتصادی در صورت ادامه سیاست‌های موردنظر در لایحه بودجه می‌شود. در دوره اخیر نامنی اقتصادی خانوار روستایی در مقایسه با خانوار شهری بیشتر شده است. یعنی فشاری که بیشتر مورد حمایت بودند از تورم جامانده‌اند. منصور با نگاهی به انتشار گزارش شامخ از سوی مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران گفت: گزارش اخیر روند مطلوبی در آینده قابل پیش‌بینی اقتصاد ایران، نشان نمی‌دهد و ناظر بر این شرایط، ملاحظات و پیشنهادهایی داریم. اولین نکته به حوزه مالیاتی ارتباط دارد که پیشنهادها این بخش به صورت جزئی قابل ارائه است. در هر حال، افزایش تورم، افزایش حامل‌های انرژی، انتشار اوراق و همگی مایه نگرانی بخش خصوصی است.

دغدغه فعالان اقتصادی درباره بودجه ۱۴۰۵

در ادامه این نشست، روسای اتاق‌های سراسر کشور، کمیسیون‌های تخصصی و تشکلهای حاضر به بیان دیدگاهها و پیشنهادها برای تقویت اثرگذاری بودجه سال آینده پرداختند. ابتدا فرج‌الله معماری، رئیس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق بازرگانی ایران، گفت: طی ۲۰ سال گذشته آنچه تجربه کردیم نرخ رشدهایی بود که به جای امیدواری، نگرانی عمیق در پی داشت و باید اذعان کرد که همین وضعیت سال آینده هم ادامه دارد. در واقع این بودجه برای تولیدکنندگان نگران کننده است. او تأکید کرد: مهم‌ترین نکته اینجا است که امروز مسوول تأمین هزینه‌های یک دولت بزرگ هستیم و این اصلی‌ترین مساله روز اقتصاد



مهم‌ترین نکته اینجاست که امروز مسوول تأمین هزینه‌های یک دولت بزرگ هستیم و این اصلی‌ترین مساله روز اقتصاد ایران است.

▼ عامل اصلی تورم در ۱۴۰۴

لامعی در گفت‌وگو با برنامه میز اقتصاد رسانه ملی با بیان اینکه در تحلیل بازار ارز، لحاظ نمودن هم‌زمان بازار رسمی و بازار غیررسمی الزامی است، بیان کرد: هر یک از این بازارها دارای مولفه‌هایی هستند که منابع و مصارف ارزی و به تبع آن، هر دو سمت عرضه و تقاضا را در هر دو بازار رسمی و غیررسمی تحت‌تأثیر قرار می‌دهند.

او بسا تأکید بر اینکه در زمان حاضر، در سمت مدیریت تقاضا در بازار رسمی با چالش‌هایی مواجه هستیم که می‌توان آن را «عدم تناسب با شرایط اقتصاد کلان کشور» نامید، گفت: بدین معنا که مصارف ارزی باید متناسب با میزان دریافتی‌ها و وصولی‌هایی باشد که در ابتدای سال و بر اساس قانون بودجه، توسط دستگاه‌های متولی در بودجه ارزی برآورده شده و بر همان مبنای مصارف ارزی لحاظ می‌شود.

لامعی با اشاره به اینکه دو گروه کالایی جهت تأمین ارز وجود دارد، بیان کرد: گروه اول، گروه کالاهای اساسی است که مبنای پرداخت و نرخ مورد عمل برای آن را قانون بودجه تعیین می‌کند. به بیانی دیگر، در تبصره یک قانون بودجه مشخص می‌شود که بابت کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی در طول یک سال چه مقدار از ارز باید تأمین شود و با چه نرخ‌ی مورد عمل قرار گیرد.

در این بخش، برای بودجه سال ۱۴۰۱ حدود ۱۱میلیارد یورو در نظر گرفته شده است که معادل حدود ۱۳میلیارد دلار برآورد می‌شود. این میزان باید به تعرفه‌ها و کالاهای اختصاصی یلد که توسط دولت تعیین شده و امکان قیمت‌گذاری بر آنها وجود دارد. در این قسمت به هیچ عنوان عقب‌افتادگی وجود ندارد؛ یعنی طبق برنامه زمانی پیش‌بینی شده برای سال و بر اساس اصولی‌های دریافت شده در بانک مرکزی از محل درآمدهای سهم دولت، اقدامات لازم جهت تخصیص و تأمین ارز صورت گرفته و عقب‌افتادگی نداریم.

او افزود: تنها وقفه‌ای که در این بخش اتفاق افتاد، مربوط به فاصله زمانی میان استفاده از ابزار پرداخت و واریز وجوه به حساب بود. در عرصه نقل و انتقالات ارزی، دو عبارت «وصول» و «استفاده از ابزار پرداخت» وجود دارد. هنگامی‌که از ابزار پرداخت استفاده می‌شود، وجوه باید به حساب ذی‌نفع نهایی واریز شود تا از آن طریق، کالا ارسال شده و در بازار داخلی توزیع و پخش شود. در ماه‌های گذشته، مقداری وقفه در این بخش ایجاد شده بود که با تلاش بانک مرکزی و از طریق ابزارهای در اختیار، این موضوع تا حدودی مدیریت شد تا زمان میان دستور پرداخت و کارسازی به حساب ذی‌نفع برطرف شود.

مدیر اداره پایش بازار ارز بانک مرکزی خاطرنشان کرد: در بخش کالاهای اساسی که اصطلاحاً نرخ ۲۸۵۰۰ تومان نامیده می‌شود، طبق جدول زمان‌بندی مشترک با دستگاه‌های متولی از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تخصیص‌ها انجام شده و بانک مرکزی نیز نسبت به تأمین آن اقدام می‌کند، لذا در این بخش مشکلی وجود ندارد.

لامعی با اشاره به اینکه مورد دوم مربوط به سایر اقلام کالایی به جز کالاهای اساسی است که تحت عنوان اقلامی شناخته می‌شوند که عرضه و تقاضای آنها در مرکز مبادله ارز و طلای ایران انجام می‌گیرد، گفت: در آنجا بخش عمده ارز مورد نیاز این اقلام توسط مسایر صادرکنندگان (به غیر از نفت) تأمین می‌شود. بانک مرکزی نیز بر اساس نقش بازارسازی که در قانون بانک مرکزی برای آن پیش‌بینی شده است، متناسب با شرایط عرضه و تقاضانسبت به عرضه ارز اقدام کرده و همواره در صورت وجود کسری در بازار، نسبت به تأمین آن اقدام می‌کند. در آن بخش نیز با چالش‌ی مواجه هستیم که به دو دسته تقسیم می‌شود: بخش اول، خروج از سیستم برگشت ارز و ناشی از ناترازی‌های ایجاد شده در اقتصاد از جمله ناترازی انرژی است.به موجب این امر، بخشی از تولید و شرکت‌های صادراتمحور، بویژه شرکت‌هایی که نیاز میرمی به انرژی برای تولید و صادرات محصول خود داشتند، دچار مشکل شدند و در فصل تابستان وقفه‌ی در فعالیت آنها ایجاد شد. طبیعتا با وقوع این رویداد، جریان وجوه ارزی دچار وقفه شده و تا حدودی با صف تخصیص و تأمین ارز در بازار مواجه می‌شویم. این بخش بر تولید و صادرات شرکت‌های مذکور اثرگذار بوده است.او بخش دوم را «برگشت ارز حاصل از صادرات» عنوان کرد و افزود: این بخش مربوط به مواردی است که با کارت‌های بازرگانی اجراهی صورت می‌گرفت. بانک مرکزی از دو سال گذشته تعاملاتی با وزارت صنعت، معدن و تجارت داشت تا نحوه صدور این کارت‌ها منوط شود. مباحث نظیر سابقه، مسافرت صادرات و موارد مشابه، محدودیت‌هایی بود که سازمان توسعه تجارت و وزارت صنعت، معدن و تجارت وضع کردند. اخیرا نتایج مذاکرات دو ساله مبنی بر اینکه کارت‌های مذکور منجر به ایجاد شبهه عدم بازگشت ارز می‌شود به ثمر نشست و در ماه گذشته فرایندهای اجراهی شد.مدیر اداره پایش بازار ارز بانک مرکزی در ادامه خاطرنشان کرد:صادرکنندگانی بودند که کالا را به مرز منتقل می‌کردند و قصد داشتند با کارت‌های اجراهی صادر کنند.اما کارت بازرگانی آنها منقضی شده بود و وزارت صنعت، معدن و تجارت به عنوان متولی مربوطه آن کارت‌ها را ابطال کرده بود. درباره میزان جریان ورود ارز به بازار بر اساس میزان صادرات در این عرصه که عمدتا صادرات خرد است، برآورده‌های مختلفی انجام می‌شود که حدود پنج تا ده درصد تجارت خارجی ما را در برمی‌گیرد. این میزان در سنوات مختلف متفاوت بوده است. این بخش از تجارت که با استفاده از کارت‌های اجراهی انجام می‌شد و منجر به مسدودسازی کارت‌ها توسط وزارت صنعت شد، موجب شد این جریان ارزی وارد نشود.



هشدار تعطیلی در بخش صنعت

مریم لطفی : تاسیس یک بنگاه صنعتی و اشتغال‌زایی در این بخش نیازمند سرمایه قابل توجه، نیروی کار متخصص و تکنولوژی پیشرفته است.

تاسیس یک بنگاه صنعتی و اشتغال‌زایی در این بخش نیازمند سرمایه قابل توجه، نیروی کار متخصص و تکنولوژی پیشرفته است. واحدهای صنعتی موتور محرک اقتصاد و اشتغال کشور محسوب می‌شوند. در سال‌های اخیر صنعت بیش از سایر بخش‌ها از مشکلات اقتصادی کشور متضرر شده و بار ناترازی انرژی، فشار تورمی و نوسانات نرخ ارز را به تنهایی به دوش کشیده است. همین چالش‌ها باعث شده است فقط در تابستان سال جاری، بسیاری از پنگاه‌ها در سکوت به فعالیت خود خاتمه دهند و بیش از ۲۰۰هزار نفر به جمع بیکاران اضافه شوند. حالا در چنین شرایطی، هر گونه تغییر غیرکارشناسی در قیمت حامل‌های انرژی می‌تواند باعث تشدید بحران در بخش صنعت شود. سعید شجاعی، معاون وزیر «صمت» در گفت‌وگو با «دنیایاقتصاد» تأکید کرد که با توجه به افزایش قیمت و محدودیت دسترسی صنایع به انرژی در ۳ سال گذشته، تاب‌آوری پنگاه‌ها به شدت کاهش یافته است و تولیدکنندگان به هیچ وجه توان مقابله با شوک‌های جدید را ندارند. شجاعی راهکار برون‌رفت از وضعیت فعلی را پرهیز از سیاستگذاری جزیره‌ای دانست و تصریح کرد که باید پیش از اجرای هر گونه سیاست اصلاحی، تأمین زیرساخت‌های فنی و نهادی مورد نیاز برای افزایش توان تولید در دستور کار قرار گیرد. معاون وزیر صنعت هشدار داد که در صورت بی‌توجهی به الزامات مذکور باید منتظر سونامی تعطیلی بنگاه‌های صنعتی در سال آینده باشیم؛ مسأله‌ای که در صورت وقوع، آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی را به ساختار تولید کشور وارد خواهد کرد.

فاطمه جوادی: ناترازی انرژی به اندازه‌ای صنایع را دچار تنگنا کرده است که فعالان صنعتی از این شرایط به عنوان «مرگ خاموش صنعت» یاد می‌کنند. آنها با اشاره به اینکه محدودیت‌های انرژی سبب شده تا واحدهای تولیدی ۵۰ درصد زیر ظرفیت کار کنند و با کاهش قابل‌توجه مس‌آوری مواجه شوند، نسبت به فرسایش بنگاه‌های صنعتی و تعدیل گسترده نیروی کار هشدار می‌دهند.



در شرایطی که هر سال ناترازی انرژی در حال تشدید است و صنعت اولویت اول صنعت اولویت اول دولت برای اعمال محدودیت‌هاست.

در شرایطی که هر سال ناترازی انرژی در حال تشدید است و صنعت اولویت اول دولت برای اعمال محدودیت‌ها است، زمزمه‌هایی از افزایش قیمت انرژی اعم از گاز و برق و همچنین گازوئیل برای بخش صنعت به گوش می‌رسد. در همین رابطه معاون وزیر صمت می‌گوید در حوزه اصلاحات انرژی چند طرح توسط نهادهای مختلف در حال پیگیری است. شجاعی با اشاره به اینکه باید از اعمال تصمیمات جزیره‌ای در حوزه انرژی پرهیز شود، به تشریح آثار افزایش قیمت انرژی و سوخت بر بخش صنعت پرداخت. او با تأکید بر اینکه تاب‌آوری صنایع به دنبال ناترازی‌های اخیر به شدت کاهش پیدا کرده است، نسبت به اتخاذ تصمیمات در زمینه اصلاح قیمت انرژی بدون درنظرگرفتن آلت‌رناتیو برای این بخش هشدار داد. به اعتقاد شجاعی، اصلاحات در این زمینه به افزایش ۳۰۰ درصدی قیمت انرژی برای صنایع منجر می‌شود که تبعات جبران‌ناپذیری چون تعدیل گسترده نیروی کار صنعتی را به دنبال خواهد داشت.

تبعات سیاستگذاری جزیره‌ای

سعید شجاعی، معاون برنامه‌ریزی و توسعه محیط کسب‌وکار وزارت صمت در گفت‌وگو با «دنیایاقتصاد» بیان کرد: پاشنه آشیل موضوع انرژی این است که ما به صورت جزیره‌ای سیاستگذاری می‌کنیم. چند طرح در خصوص بحث اصلاحات انرژی در جریان است. یک موضوع بند «ب» ماده ۴۳ قانون برنامه هفتم تباعه است که عرضه حداقل ۶۰ درصد سبوق تولیدی نیروگاه‌ها را در بورس انرژی تا پایان این برنامه تکلیف کرده است. یک طرح دیگر توسط سازمان بهینه‌سازی که به تازگی تشکیل شده است، پیگیری می‌شود. وزارت نفت هم طرح مجزایی برای توزیع گاز در دستور کار قرار داده است. بنابراین هر کدام از این ارگان‌ها به صورت جزیره‌ای تصمیم‌گیری می‌کنند که اثرات آن در حوزه صنعت مشهود است.

وی افزود: در چهار سال اخیر به واسطه همین جنس سیاستگذاری‌های جزیره‌ای،



یزدان رضایی معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت نیرو با اشاره به برنامه‌های این وزارت‌خانه برای عبور ایمن از اوج مصرف تابستان ۱۴۰۵ گفت: برای این منظور ۱۴ مگاپروژه در قالب طرح‌های عظیم در دستور کار قرار گرفته است که هر کدام شامل چند صد طرح و پروژه هستند. این اقدامات به منظور جبران عقب‌ماندگی‌های ناشی از کمبود سرمایه‌گذاری در دهه‌های گذشته و کاهش ناترازی برق کشور طراحی شده‌اند. وی افزود: امید است با تأمین سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ها بتوانیم این مسیر را با اطمینان بیشتری طی کنیم اگرچه تاکنون نیروگاه‌های برق آبی امسال ذخیره آبی مناسبی ندارند اما تمهیدات جدی برای تأمین برق اندیشیده شده است.

رضایی همچنین به تعمیرات دوره‌ای و اساسی نیروگاه‌ها اشاره کرد و افزود: حدود ۱۳۰ هزار مگاوات تعمیرات در نظر گرفته شده که باید انجام شود، همچنین بازسازی و بهسازی خطوط در کنار احداث خطوط جدید نیز جزو برنامه‌های ما است.معاون وزیر نیرو با تأکید بر اهمیت پایداری برق در اوج بار بهار و تابستان گفت: این پایداری منوط به تلاش‌هایی است که همین روزها در اجرای طرح‌های حیاتی انجام می‌شود. همان‌طور که در دفاع ۱۲ روزه اختلالی در توزیع و انتقال برق نداشتیم تابستان ۱۴۰۵ نیز شرایط پایداری در تأمین و انتقال برق خواهیم داشت.

برای بیش از دو دهه، آلمان و چین رابطه‌ای اقتصادی ایده‌آل داشتند و هر دو از رونق تجارت جهانی سود زیادی بردند. آلمان ماشین‌آلات و فناوری‌هایی را تأمین می‌کرد که چین برای تولید انبوه کالاهای مصرفی و صادرات آنها به سراسر جهان به آنها نیاز داشت. اما حالا شرایط تغییر کرده است؛ چین دیگر به آلمان وابسته نیست و این آلمان است که به فکر پایان دادن به این رابطه افتاده است.

فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان، ماه گذشته اعلام کرد که برلین برای حمایت از فولادسازان داخلی در برابر رقابت شرکت‌های چینی وارد عمل خواهد شد. دولت او همچنین محدودیت استفاده از قطعات چینی در شبکه‌های داده تلفن همراه را سخت‌گیرانه‌تر کرده است و از درج بندهای «خرید اروپایی» در مناقصه‌های دولتی حمایت کرده است. فاصله گرفتن آلمان از چین مدتی است آغاز شده است. تولیدکنندگان چینی با تکیه بر هزینه‌های پایین تولید، یوان ضعیف و یارانه‌های دولتی، به‌تدریج در صنایعی پیشتانز شدند که تا چند سال پیش در انحصار شرکت‌های آلمانی بود و این برتری را نه‌تنها در بازار چین، بلکه در بازارهای دیگر از جمله اروپا تثبیت کردند.

با این حال، شتاب گرفتن این روند تا حد زیادی به سیاست‌های دونالد ترامپ برمی‌گردد. به گفته اقتصاددانان و مدیران بنگاه‌ها، پس از آنکه کالاهای چینی با دیوار جدید تعرفه‌ای آمریکا روبه‌رو شدند، موجی از محصولات ارزان از مواد شیمیایی گرفته تا قطعات خودرو امسال راهی بازار اروپا شد. در نتیجه، کشوری که زمانی نماد سرسخت لیبرالیسم اقتصادی بود، اکنون خود به سمت تعرفه‌ها، محدودیت‌های مقرراتی و دیگر سیاست‌های حمایت‌گرایانه متمایل شده است؛ سیاست‌هایی که سیاستمداران و مدیران آلمانی سال‌ها آنها را نادرست یا حتی با طعنه «فرانسوی» می‌دانستند.

براساس این گزارش، امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، اخیرا پس از سفر به چین به روزنامه فرانسوی لس اکوز گفت: «آلمان در حال تغییر است و به‌عدم‌توازن‌هایی که دامنگیر خودش هم شده است آگاه می‌شود. چین مستقیما قلب مدل صنعتی و نوآوری اروپا را هدف گرفته است.» کم‌رنگ شدن صدای قدرتمند حامی تجارت آزاد در اروپا نشان می‌دهد که اقتصاد جهانی چگونوه زیر فشار رقابت قدرت‌های بزرگ، یعنی آمریکا و چین، و همچنین واکنش‌های فزاینده علیه جهانی‌شدن که نیروهای پوپولیست در غرب آن را هدایت می‌کنند در حال چنده‌پاره شدن است.

با این حال، این چرخش هنوز به همه بخش‌های اقتصاد و دولت آلمان نرسیده است. هرچه وابستگی یک شرکت به بازار چین بیشتر باشد، عقب‌نشینی از این مسیر برایش دشوارتر است. برخی خودروسازان و تولیدکنندگان مواد شیمیایی همچنان سرمایه‌گذاری‌های قابل‌توجهی در چین انجام می‌دهند. سیاستمداران آلمانی نیز با احتیاط حرکت می‌کنند، چرا که متحدانشان میان مقابله و مامشات با چین مردد هستند. با وجود این تردیدها، جهت کلی حرکت به‌تدریج روشن شده است؛ تغییری که ابتدا از دل بنگاه‌های اقتصادی آغاز شد، سپس به نهادهای لایه‌ی‌گر قدرتمند راه یافت و حالا آرام‌آرام به سطح سیاستگذاری دولت رسیده است.

صنعت آلمان زیر فشار چین

براساس این گزارش، تغییر موضع آلمان در برابر چین، از سال ۲۰۱۹ و با گزارش تکان‌دهنده

قیمت برق ۲۲۰ درصد و گاز ۲۶۲ درصد برای بخش صنعت رشد کرده است. علاوه بر این یک‌سری ردیف هزینه‌های جدید مانند ترانزیت برق نیز به قبوض اضافه شده است و در واقع سه برابر نرخ مصوب هزینه از صنعتگر دریافت می‌شود. این آشتگی در حوزه سیاستگذاری و عدم شفافیت، صنعتگران را با چالش جدی مواجه کرده است. وی در ادامه گفت: صنعتگر ما انرژی ارزان دریافت نمی‌کند. چنانچه هزینه‌های دیگری که مسایر کشورها بر صنایع خود تحمیل نمی‌کنند مانند تبعات تحریم و هزینه‌های تأمین مواد اولیه را محاسبه کنیم، هزینه‌ای که صنایع ما نسبت به کشورهای جهان اول برای انرژی پرداخت می‌کنند، تفاوت چندانی ندارد. نسبت به کشورهای منطقه که صاحب انرژی هستند نیز قطعا هزینه بیشتری برای انرژی پرداخت می‌کنند.

معاون برنامه‌ریزی و توسعه محیط کسب و کار وزارت صمت اضافه کرد: غیر از رشد هزینه‌های انرژی، در سه سال اخیر دستمزد ۱۰۰درصد افزایش پیدا کرده و تورم تولید ۱۷۰ درصد شده است. این شرایط هر صنعتی را زمین‌گیر می‌کند و تاب‌آوری صنایع را به‌شدت کاهش می‌دهد. این موارد به صنعت تحمیل می‌شود و با این حال انتظار داریم که صنعت سرپا بماند و رسالت توسعه صنعتی خود را محقق کند. شجاعی عنوان کرد: در حال حاضر بیش از ۴۰ درصد محدودیت گاز برای صنایع بزرگ اعمال شده است. در مورد برق هم نامه‌ای به صنایع مبنی بر اینکه قطع برق اعمال خواهد شد، ارسال شده است. در شرایطی که زیرساخت مهیا نیست و هزینه‌های جانبی نیز به صنعت تحمیل شده است، در حال نابودی ریشه‌های صنعت هستیم و پدیده صنعت‌زدایی هم تشدید و در عمل در حال اجرا است.

احتمال افزایش ۳۰۰ درصدی از هزینه انرژی صنایع

شجاعی توضیح داد: اگر دستورالعمل‌هایی که در سطح دولت در جریان است مصوب و اجرا شود، پیش‌بینی ما حاکی از این است که طی سه سال آینده احتمالا ۳۰۰ درصد هزینه انرژی بخش صنعت افزایش یابد. شجاعی در مورد تأثیر اجرای اصلاحات انرژی‌بر وضعیت صنایع مختلف نیز گفت: تقریبا در ۹ ماه از سال صنایع با محدودیت انرژی روبه‌رو هستند. تاب‌آوری صنایع به حدی رسیده است که اگر خراج از چارچوب‌هایی که قانون مانع‌زدایی مشخص کرده یا فرمول‌های فعلی قیمت خوراک، موضوع جدیدی به آنها تحمیل شود، به شدت آسیب‌پذیر خواهند شد. با افزایش قیمت انرژی، صنایع کوچک و متوسط که به شدت ضعیف شده‌اند با کمترین تکانه متحمل آسیب شدید می‌شوند. صنایع بزرگ و انرژی‌بر هم همین وضعیت را تجربه خواهند کرد، اما شاید چون بنیه این صنایع کمی قوی‌تر است، مقاومت بیشتری داشته باشند.

پیش‌بینی افزایش بیکاری

معاون برنامه‌ریزی و توسعه محیط کسب و کار وزارت صمت می‌گوید: به واسطه اثرات ناترازی انرژی و همچنین شرایط نه تنگ نه صلح، مشکلات ناشی از تعدیل نیرو رخ داده و تعداد زیادی از شغل‌های صنعتی کاهش پیدا کرده است. به صورت متوسط، هزینه ایجاد هر شغل صنعتی حدود یک‌میلیارد و ۶۰۰میلیون تومان است. شغل صنعتی، شغلی پایدار است و به راحتی ایجاد نمی‌شود. اگر اصلاحات انرژی به شکل نادرستی اجرا شود، قطعا با سونامی بیکاری در صنایع مواجه خواهیم شد. وی گفت: در حال حاضر صنایع در برخی حوزه‌ها به سمت تعدیل نیرو و بومی واحدها و به سمت تعطیلی رفته‌اند. این روند در اثر افزایش هزینه انرژی تشدید خواهد شد. این موارد موضوعاتی نیستند که به راحتی آنها را کنار بگذاریم و همچنان جزیره‌ای تصمیم بگیریم. هر کدام از این تصمیمات زنجیره‌ای را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد که در نهایت منجر به از بین رفتن شغل‌های موجود می‌شود.

راهکار جایگزین

معاون برنامه‌ریزی و توسعه محیط کسب و کار وزارت صمت گفت: دیدگاه وزارت‌خانه در خصوص بحث اصلاح انرژی به دولت منتقل شده است و امیدوار هستیم که ترتیب اثر داده شود. چسرا که این موضوع اثرات جبران‌ناپذیری به دنبال دارد و ما باید برای این شرایط آلت‌رناتیو داشته باشیم. باید در عین حال که از صنایع حمایت می‌کنیم، آنها را به سمت تغییرات تکنولوژیک هدایت کنیم که البته نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. اگر در شرایطی که فضای سرمایه‌گذاری به حداقل رسیده، محدودیت انرژی و قیمت‌های بالا را نیز به صنعت تحمیل کنیم، این به این معنا است که صنعتگر در گوشه رینگ برده‌ایم و راهی غیر از تعطیلی کسب و کار برای او نگذاشته‌ایم. راهکار اصلی این است که ابتدا زیرساخت لازم را به لحاظ سرمایه‌گذاری و دسترسی به انرژی ایجاد کنیم، یک بازه زمانی به صنعت اختصاص دهیم تا بتواند نفس بکشد، سپس سیاست‌های مدنظر را اجرا کنیم. اگر این نکات لحاظ نشود، خروجی این سیاست‌تعمیلی واحدها خواهد بود.

رضایی رضایی معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت نیرو با اشاره به برنامه‌های این وزارت‌خانه برای عبور ایمن از اوج مصرف تابستان ۱۴۰۵ گفت: برای این منظور ۱۴ مگاپروژه در قالب طرح‌های عظیم در دستور کار قرار گرفته است که هر کدام شامل چند صد طرح و پروژه هستند. این اقدامات به منظور جبران عقب‌ماندگی‌های ناشی از کمبود سرمایه‌گذاری در دهه‌های گذشته و کاهش ناترازی برق کشور طراحی شده‌اند. وی افزود: امید است با تأمین سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ها بتوانیم این مسیر را با اطمینان بیشتری طی کنیم اگرچه تاکنون نیروگاه‌های برق آبی امسال ذخیره آبی مناسبی ندارند اما تمهیدات جدی برای تأمین برق اندیشیده شده است.

رضایی همچنین به تعمیرات دوره‌ای و اساسی نیروگاه‌ها اشاره کرد و افزود: حدود ۱۳۰ هزار مگاوات تعمیرات در نظر گرفته شده که باید انجام شود، همچنین بازسازی و بهسازی خطوط در کنار احداث خطوط جدید نیز جزو برنامه‌های ما است.معاون وزیر نیرو با تأکید بر اهمیت پایداری برق در اوج بار بهار و تابستان گفت: این پایداری منوط به تلاش‌هایی است که همین روزها در اجرای طرح‌های حیاتی انجام می‌شود. همان‌طور که در دفاع ۱۲ روزه اختلالی در توزیع و انتقال برق نداشتیم تابستان ۱۴۰۵ نیز شرایط پایداری در تأمین و انتقال برق خواهیم داشت.

فاصله تجاری آلمان از چین

تبعات این تغییر موازنه، زخم‌های عمیقی بر پیکره اقتصاد آلمان بر جا گذاشته است. تولید صنعتی این کشور از دوران اوج خود در سال ۲۰۱۷ تاکنون ۱۴ درصد کاهش یافته است و بخش صنعت از سال ۲۰۱۹ نزدیک به ۵درصد از نیروی کار خود را از دست داده است. طبق گزارش موسسه ارنست‌اندینگ، وضعیت در بخش خودروسازی وخیم‌تر است و این صنعت در همین بازه زمانی با نابودی ۱۳ درصد از موقعیت‌های شغلی خود مواجه شده است. از منظر این گزارش، شرکت «هرنکشت» یکی از نمایه‌های فشار سنگین رقابت با چین است؛ این بنگاه خانوادگی که سازنده پیشرفته‌ترین دستگاه‌های حفاری تونل در جهان است، ماشین‌هایی به ارتفاع ۱۹ متر می‌سازد که مانند کارخانه‌هایی متحرک، سخت‌ترین سنگ‌ها را می‌شکافد و هم‌زمان زیرساخت‌های لازم را نصب می‌کند. در آغاز دوران جهش اقتصادی چین، مقامات این کشور برای بزرگ‌ترین پروژه‌های خود به «هرنکشت» تکیه داشتند؛ اما اکنون پس از موجی از خریدها و ادغام‌ها، رقبای چینی که با یارانه‌های کلان دولتی بهره‌برداری می‌کنند، بازار جهانی را به تسخیر خود درآورده‌اند. آنیا هکن‌دورف، سخنگوی این شرکت، تأکید می‌کند که آنها تحت فشار شدیدی هستند و به همین دلیل علاوه بر جست‌وجوی بازارهای جدید مانند هند، خواستار تحقیقات «سندامپینگ» و اتخاذ سیاست «اول اروپا» در مناقصات دولتی شده‌اند تا اولویت با تأمین‌کنندگان محلی باشد.

این بحران در قلب صنعت شیمی آلمان، یعنی منطقه لایپزیگ و شهر لئونا، به اوج خود رسیده است؛ منطقه‌ای که زمانی مهد صنعت شیمی اروپا بود و پس از اتحاد دوباره آلمان، با بهره‌گیری از گاز ارزان روسیه، احیا شد. ودران کوپوندنزیچ، مدیر ارشد شرکت دووم کماکلز، هشتاد می‌دهد که امسال سیلی از مواد شیمیایی چینی به اروپا سرازیر شده است و سهم چین از بازار پلی‌آمید شش تنها در یک سال از صد درصد به ۴۰درصد رسیده است. تولیدکنندگان چینی با ارائه تخفیف‌های چشم‌گیر، حضوری مستمر در بازار یافته و کسب‌وکارهای محلی را در وضعیتی قرار داده‌اند که قادر به کسب سود نیستند. کریستوف گوتنر، مدیر یکی از پارک‌های شیمیایی لئونا، می‌گوید شرکت‌ها برای بقا ناچارند هزینه‌ها و حتی نیروی کار خود را به‌شدت کاهش دهند، اما این روند نمی‌تواند برای همیشه ادامه یابد.

تبعات این فشارها اکنون با تعطیلی کارخانه‌ها نمایان شده است؛ شرکت «او کمیکال» از حذف بیش از ۵۰۰ شغل خبر داده است و غول‌های صنعتی نظیر BASF نیز درحالی‌که ظرفیت‌های خود را در چین گسترش می‌دهند، هزاران شغل را در داخل آلمان حذف کرده‌اند. اگرچه پروژه‌های نوآورانه‌ای مانند پالایشگاه زیستی شرکت فنلاندی UPM یا واحد فراوری لیتیوم شرکت AMG در حال احداث هستند، اما قیمت تمام‌شده محصولات آنها بالاتر از نمونه‌های مبتنی بر سوخت‌های فسیلی است و مشتریان آلمانی همچنان از قیمت‌های بالا هراسان‌اند. به گفته دیرک شوماخر، اقتصاددان ارشد بانک توسعه آلمان، نوآوری به‌تنهایی کافی نیست و آلمان باید تصمیم بگیرد که کدام بخش‌های راهبردی را می‌خواهد به قیمت وضع موانع تجاری، در داخل خاک خود حفظ کند.

وال استریت‌ژورنال معتقد است که در نهایت، اروپا بر سر یک دوره‌ای سرنوشت‌ساز قرار گرفته است. نوا بارکین، تحلیلگر موسسه رودیم، معتقد است اروپا همچنان از سرمایه‌گذاری چین استقبال می‌کند، اما به شرطی که این سرمایه‌گذاری منجر به انتقال دانش و ایجاد اشتغال واقعی شود. با این حال، او هشدار می‌دهد که ممکن است انتقال دوباره به «سندرم شانگهای» دچار شود؛ یعنی ترجیح دادن منافع تجاری کوتاه‌مدت و مماشات با چین به دلیل غیروابلیغ‌پیش‌بینی بودن سیاست‌های ترامپ در قبال اروپا. نوربرت روتنگن، کارشناس سیاست خارجی، این وضعیت را چنین خلاصه می‌کند: «ما باید وابستگی خود را به چین کاهش دهیم، اما اگر آمریکا پشت ما را خالی کند، تعریف رابطه ما با چین ناگزیر تغییر خواهد کرد.»



در شرایطی که

هر سال ناترازی انرژی در حال

تشدید است و

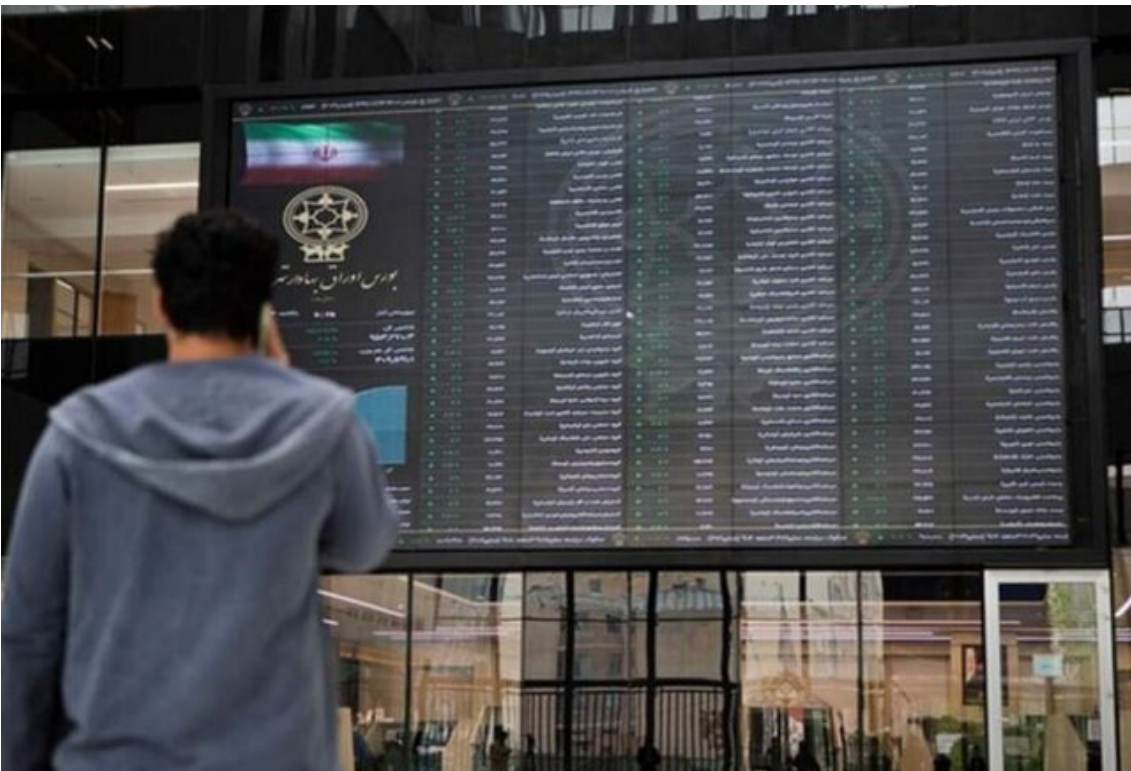
صنعت اولویت اول

دولت برای اعمال

محدودیت‌هاست.



لیدری بورس در لیگ بازارها



۶ فر حناز نعمتی –بورس تهران با ورود به فصل زمستان یکی از بهترین عملکردهای هفتگی خود را به نمایش گذاشت.

شاخص کل با صعود حدود ۷درصد در هفته نخست زمستان، توانست در رتبه اول جدول کسب بازدهی بازارهای دارایی قرار گیرد و برای نخستین‌بار در تاریخ وارد ابرکانال ۴میلیونی شود. این رشد در ادامه مسیر صعودی هفته‌های اخیر رخ‌داد و یازدهمی مثبت بورس تهران به ششمین هفته متوالی رسیده‌است. شاخص هموزن نیز در هفته مذکور درخشان ظاهر شد و گوی سبقت را از شاخص کل ربود. شاخص هموزن با رشد ۷۷.۴۷درصدی نشان‌داد؛ تقاضای ایجادشده در تالار شیشه‌ای منائر از خوش‌بینی‌های جدید از انتظارات مثبت سودآوری در این بازار است و صرفا به نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز محدود نبوده‌است. کسب این بازدهی بالاترین میزان رشد شاخص هموزن در ۴۸هفته اخیر به‌شمار می‌رود. در فرابورس هم شاخص کل این بازار با رشد ۶۰.۴۵درصدی را در قدرت ظاهر شد. به این‌ترتیب بورس با کسب بازدهی ۷درصدی، بازارهای موازی را پشت‌سر گذاشت. بازگشت اقبال سرمایه‌گذاران حقیقی، تشدید انتظارات تورمی و رشد قیمت دلار از مهم‌ترین محرک‌های بورس در این مسیر بودند. پس از بورس، سکه طلا با ثبت رشد ۴۰.۴۴درصد در مقیاس هفتگی در جایگاه دوم ایستاد. رتبه سوم به طلای ۱۸ عیار با کسب بازدهی ۳۰.۴۶درصد اختصاص یافت. دلار بازار آزاد نیز که به‌عنوان محرک و پیش‌رسان صعود همه بازارها بود در قعر جدول بازدهی بازارهای دارایی ایستاد و در هفته‌ای که گذشت تنها رشدی ۲.۵۹درصدی را به‌تأیث رساند. در ۶ هفته گذشته، بازار سهام با عبور از سقف‌های تاریخی، توانست مسیر صعودی خود را تثبیت کند و جایگاه خود را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گزینه‌های سرمایه‌گذاری در



اصلاح آخر هفته‌ای

ارز و طلا

سیاستگذاری در ایران همچنان گرفتار تعلل و نگاه سلبی باقی مانده است؟ دولت هنوز چارچوب قانونی مشخصی برای فعالیت‌های رمزارزی تدوین نکرده و تصمیمات متناقض باعث سردرگمی فعالان اقتصادی شده است. این بی‌ثباتی، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را از ورود رسمی به بازار بازداشته و کسب‌وکارهای نوآور را به سمت فعالیت‌های زیرزمینی یا مهاجرت سوق داده است. در حالی که کشورهای پیش‌رو رمزارزها را وارد زنجیره کسب‌وکار و خدمات خود کرده‌اند، در ایران هنوز بحث اصلی بر سر تعیین متولی و نهاد مسوول این حوزه است و اختلاف‌نظرها باعث شده است مسیر روشنی برای توسعه و مقررات‌گذاری ایجاد نشود. هر روزی که سیاستگذار فرصت بهره‌برداری از تحول دیجیتال را از دست می‌دهد، فاصله ایران با روندهای جهانی عمیق‌تر می‌شود و هزینه‌های اقتصادی و فناوریانه افزایش می‌یابد. بازارهای جهانی، سرمایه و ایده‌های نوآور را جذب می‌کنند و ایران همچنان از این جریان عقب می‌ماند. رشد بازار رمزارزها دیگر یک موق رودگذر یا هیجان مقطعی محسوب نمی‌شود و به بخشی پایدار از تحولات اقتصاد جهانی تبدیل شده است. سال ۲۰۲۵ نقطه عطفی در مسیر رسمی‌شدن دارایی‌های دیجیتال به شمار می‌آید و بسیاری از تردیدهای گذشته را به حاشیه رانده است. تصویب قوانین مشخص در آمریکا، افزایش سرمایه‌گذاری نهادی، رشد ادغام و تملک‌ها و استقبال بازار سرمایه از شرکت‌های فعال در حوزه کریپتو، همگی نشان می‌دهند که رمزارزها جای خود را در ساختار اقتصاد جهانی باز کرده‌اند. در چنین شرایطی، فاصله کشورهاییکه این تحول را به فرصت اقتصادی تبدیل کرده‌اند با کشورهاییکه همچنان در مرحله انکار یا تعلیل سیاستی باقی مانده‌اند، هر روز بیشتر می‌شود و ایران نیز متأسفانه در دسته دوم قرار می‌گیرد.

ورود رمزارزها از حاشیه به متن اقتصاد جهانی

بازار جهانی رمزارزها در سال ۲۰۲۵ شاهد شتابی کم‌سابقه در فعالیت‌های اقتصادی بود و صنعت کریپتو توانست رکورد ۸۰۶میلیارد دلار معامله ادغام و تملک را ثبت کند. این رقم نشان می‌دهد که بازیگران بزرگ بازار مالی، رمزارزها را نه یک تجربه پریسک، بلکه بخشی از استراتژی بلندمدت خود تعریف کرده‌اند. افزایش ۱۸درصدی تعداد معاملات نسبت به سال قبل نیز این واقعیت را تقویت می‌کند که صنعت کریپتو وارد مرحله بلوغ شده است. شرکت‌های بزرگی مانند **Ripple** و **Coinbase, Kraken** بسا انجام خریدهای چندمیلیارددلاری، جایگاه خود را در بازار تثبیت کردند و نشان دادند که رقابت در این صنعت دیگر محدود به استراتژ‌آنها نیست. این روند نشان می‌دهد که رمزارزها به تدریج در حال ادغام با نظام مالی رسمی هستند و موسسات سنتی تلاش می‌کنند از قافله عقب نمانند. هم‌زمان، عرضه‌های اولیه سهام شرکت‌های کریپتویی در بازارهای جهانی با استقبال سرمایه‌گذاران نهادی با اطمینان بیشتری وارد بازار شوند و شرکت‌ها بتوانند برنامه‌های توسعه‌ای خود را عملیاتی کنند. نتیجه این سیاست‌ها، شکل‌گیری یک اکوسیستم پویا و رقابتی بود که امروز موتور رشد بخش مهمی از اقتصاد دیجیتال آمریکا محسوب می‌شود.

پیوند فناوری با اقتصاد واقعی

استیبل‌کوین‌ها در سال‌های اخیر نقش کلیدی در اتصال فناوری بلاک‌چین به اقتصاد واقعی ایفا کردند و توانستند بسیاری از محدودیت‌های رمزارزهای پرنوسان را برطرف کنند.

افزایش معنادار نرخ دلار توافقی در تالارهای اول و دوم بود. به‌نظر می‌رسد سیاست مذکور از عزم سیاستگذار برای حرکت به سمت همگرایی نرخ‌ها و کاهش شکاف ارزی حکایت دارد. عبور نرخ حواله دلار در تالار اول از سطح ۸هزارتومان و جهش نرخ دلار در تالار دوم (که مبنای تسعیر بسیاری از شرکت‌های بورسی محسوب می‌شود) به بالای ۱۵ هزارتومان، موجب شد فاصله دلار موثر بر سودآوری شرکت‌ها با نرخ اسکناس در بازار آزاد به کمتر از ۱۶درصد کاهش یابد. رخدادی که از منظر تحلیلی، سیگنالی مهم برای تعدیل انتظارات و بازنگری در برآورد سودآوری بنگاه‌ها محسوب می‌شود. در کنار این عامل، تحولات بودجه‌ای سال‌آینده نیز نقش کلیدی در تقویت نگاه مثبت به بازار سهام ایفا کرده‌است. حذف ارز ترجیحی و شفاف‌ترشدن مفروضات ارزی در لایحه بودجه، اگرچه می‌تواند آثار تورمی کوتاه‌مدتی به‌همراه داشته‌باشد، اما در بازار سرمایه به‌معنای کاهش ریسک سیاستگذاری و بهبود کیفیت سود شرکت‌ها ارزیابی می‌شود. مجموعه این تحولات، این پیام را به فعالان بازار مخابره کرد که مسیر سیاست‌های ارزی و مالی، بیش از گذشته با منطق اقتصادی و منافع بازار سرمایه همسو شده و همین امر، محرک اصلی واکنش مثبت بورس نسبت به بازارهای موازی در هفته گذشته بوده‌است.

ابهامات صعود پایدار

اسا آیا می‌توان ورود بورس به ابر کانال ۴میلیون واحد را به‌معنای صعود پایدار قیمت‌ها و عبور از اصلاح‌های احتمالی در این بازار تلقی کرد؟ کارشناسان بر این باورند که ورود شاخص کل به کانال ۴میلیون‌واحدی را نباید به‌عنوان نقطه پایان روند صعودی تعبیر کرد، بلکه این سطح بیش از هر چیز، آغاز مرحله‌ای حساس‌تر در مسیر بازار سهام است. در این مقطع، مسیر آتی بورس به وضعیت چند متغیر کلیدی وابسته خواهد بود. تداوم یا تقویت روند نرخ ارز می‌تواند همچنان موتور محرک بازار باقی‌بماند و جریان سرمایه‌های خرد را به سمت صنایع دلاری و شرکت‌هایی با قدرت حفظ حاشیه سود هدایت کند. در مقابل، شتاب بالای رشد شاخص در هفته‌های اخیر این احتمال را نیز افزایش داده که بازار وارد دوره‌ای از فازتعالی و آرامش شود، یعنی به این‌صورت که بازار وارد فازاصلاح موقت و کوتاه‌مدت شود و شاهد چرخش پول درمیان صنایع گوناگون باشیم. بنابراین ممکن است در این بستر، افت قیمتی عمیقی رخ ندهد. در این میان، نقش سیاستگذار اقتصادی و ارزی تعیین‌کننده است. هرگونه تغییر معنادار در رویکرد ارزی سیاستگذار و مدیریت انتظارات تورمی می‌تواند آهنگ حرکت بورس را کند یا مسیر آن را تغییر دهد، از این‌رو کانال ۴میلیون‌واحدی نه یک سقف قطعی، بلکه آزمونی جدی برای پایداری رونق بازار سهام محسوب می‌شود. در همین‌رابطه ابراهیم سماوی، کارشناس بازارهای مالی با بررسی روند معاملات بازار سرمایه در هفته‌ای که گذشت، اظهار کرد: بازار سرمایه در هفته‌ای کسابقه، موفق شد با قدرت از مرز تاریخی و روانی ۴میلیون‌واحد عبور کند. بسیاری از تحلیلگران انتظار داشتند قبل از آن بازار وارد فازاستراحت شود؛ این در حالی است که ترکیب رشد شاخص، افزایش ارزش معاملات و ورود پرقدرد پول حقیقی، نشان‌داد عبور از این سطح هیجانی نبوده و از پشتوانه رفتاری و پولی قابل‌توجهی برخوردار است.

این کارشناس با بیان اینکه در جریان معاملات هفته گذشته، حدود ۹۶درصد نمادهای بازار سبزپوش بودند و بیش از ۴.۳همت پول حقیقی وارد بازار سهام شد، گفت: آمار مذکور از مشارکت گسترده بدنه بازار در این صعود حکایت دارد. نکته مهم‌تر آنکه، برخلاف بسیاری از دوره‌های بالادستی، رشد بازار صرفاً متکی به چند نماد بزرگ و شاخص‌ساز نبود و همزمانی رشد شاخص کل و شاخص هموزن نشان‌داد سهام کوچک و متوسط نیز در این حرکت سهیم بوده‌اند. این همگرایی، پیامی روشن از کاهش ریسک‌های سیستماتیک و تقویت اعتماد در لایه‌های مختلف بازار را مخابره کرد.

ابراهیم سماوی در ادامه افزود: از منظر رفتاری، بازار سرمایه نشانه‌هایی از تغییر فاز را بروز داد؛ فاصله‌گرفتن از بی‌اعتمادی مزمن و ورود به مرحله‌ای از امید محتاطانه. هرچند همچنان انتظاری از رشد بی‌وقفه وجود ندارد، اما عقب‌نشینی ترس و افزایش تمایل به تصمیم‌گیری میان‌مدت، بزرگ‌ترین دستاورد این هفته محسوب می‌شود. این کارشناس افزود: این تحولات در حالی رخ‌داد که بازارهای موازی نیز آرام نبودند. ثبت سقف تاریخی قیمت طلا در بازار جهانی و بازگشت نرخ دلار آزاد به سطوح بالای ۱۳۳ هزارتومان، نشان می‌دهد نااطمینانی‌های نرخ اقتصادی و ژئولیتیک همچنان پابرجاست، با این‌حال تفاوت این دوره با دوره‌های پیشین در آن است که رشد بورس و طلا در تقابل با یکدیگر قرار نگرفته و سرمایه‌ها به‌جای خروج، در حال توزیع هوشمندانه میان دارایی‌ها هستند. به گفته او، پیام‌های سیاسی نیز در شکل‌گیری این فضای مثبت بی‌تأثیر نبوده‌است. اظهارات معاون اول رئیس‌جمهور و وزیر اقتصاد و مخابره سیگنال‌های حمایتی از بازار سرمایه، انتظارات مثبتی را درمیان فعالان بازار تقویت کرد. اگرچه تجربه ادوار گذشته نشان می‌دهد پایداری روند صعودی، بیش از هر چیز به ثبات سیاستگذاری و تبدیل پیام‌ها به اقدامات عملی وابسته است.

این کارشناس در مورد وضعیت بازار سهام در روزهای آینده نیز گفت: پس از چنین رشد پرشتابی، نیاز بازار به تثبیت و نفس‌گیری طبیعی به‌نظر می‌رسد. نوسانات محدود یا اصلاح زمانی، نه نشانه ضعف، بلکه بخشی از یک روند سالم ارزیابی می‌شود. آنچه در این مرحله اهمیت دارد، حفظ سطح ارزش معاملات و تداوم گردش پول است. در چنین فضایی، احتمال چرخش تقاضا از نمادهای شاخص‌ساز به سمت سهام بنیادی‌تر افزایش پیدا می‌کند، روندی که می‌تواند نشانه‌ای از بلوغ تدریجی بازار باشد. بازار سرمایه در هفته‌های اخیر با رفتار خود پیام روشنی را مخابره کرد: بورس همچنان زنده است، توان عبور از سطوح حساس را دارد و می‌تواند به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سبب دارایی سرمایه‌گذاران ایفای نقش کند، مشروط بر آنکه حمایت سیاستگذار، از سطح وعده فراتر رفته و در عمل نیز تداوم یابد.

معاملات روز پایانی هفته نشان داد که بازارها همچنان حساس به متغیرهای زمانی و خبری هستند و در غیاب سیگنال‌های قوی و پایدار، نوسانات کوتاه‌مدت می‌تواند جهت قیمت‌ها را تغییر دهد. با این حال، مسیر اصلی بازار ارز و طلا در روزها و هفته‌های آینده، بیش از هر چیز به سمت‌وسوی انتظارات تورمی، سیاست‌های ارزی و میزان موفقیت ابرزاهای همچون حراج شمش طلا در کنترل هیجانات معاملاتی وابسته خواهد بود.

در معاملات روز پنج‌شنبه، بازارهای ارز و طلا با اصلاح قیمتی قابل‌توجهی مواجه شدند؛ اصلاحی که بیش از آنکه ناشی از یک شوک بنیادین باشد، تحت‌تأثیر عوامل زمانی، کاهش حجم معاملات و نزدیک شدن به تعطیلات انتهای هفته شکل گرفت. بر این اساس، دلار آزاد با کاهش یک‌هزار و ۶۰۰تومانی نسبت به روز چهارشنبه، از سطح ۱۳۶هزارتومان به ۱۳۴ هزار و ۳۰۰ تومان عقب‌نشینی کرد. هم‌زمان، بازار سکه نیز با افت ۲میلیون و ۲۲۰ هزار تومانی، از ۱۵۲میلیون و ۲۰۵ هزار تومان به ۱۵۰میلیون و ۹۸۵هزارتومان رسید و طلای ۱۸عیار نیز کاهش ۲۱۰هزارتومانی را تجربه کرد و در نرخ ۱۴میلیون و ۳۵۷ هزار تومان معامله شد.این تعدیل قیمتی در شرایطی رخ داد که طی هفته‌های گذشته، بازارهای دارایی به‌ویژه ارز و طلا تحت فشار انتظارات تورمی بالا و رشد قابل‌توجه قیمت‌های جهانی، سقماهای تاریخی جدیدی را به ثبت رسانده بودند.

فرصت‌سوزی در بازار کریپتو



این دارایی‌ها با اتصال ارزش خود به ارزهای معتبر یا دارایی‌های کم‌ریسک، امکان استفاده گسترده در پرداخت‌ها و تسویه‌های مالی را فراهم کردند و به ابزار جذابی برای کسب‌وکارها تبدیل شدند.

در سال ۲۰۲۵، تقاضا برای شرکت‌های فعال در حوزه استیبل کوین به شکل محسوسی افزایش یافت و سرمایه‌گذاران، این بخش را یکی از کم‌ریسک‌ترین مسیرهای ورود به بازار کریپتو ارزیابی کردند. اجرای قوانین جدید در آمریکا و بریتانیا نیز به این روند شتاب داد و چارچوبی شفاف برای فعالیت شرکت‌ها ایجاد کرد. این وضعیت باعث شد استیبل کوین‌ها از یک ابزار تخصصی به بخشی از جریان اصلی اقتصاد دیجیتال تبدیل شوند.

برای شرکت‌های فعال در تجارت بین‌الملل، فین‌تک و خدمات پرداخت، استیبل‌کوین‌ها امکان کاهش هزینه‌ها و تسریع فرآیندهای مالی را فراهم کردند. این مزیت‌ها برای اقتصادهایی که با محدودیت‌های بانکی مواجه هستند، اهمیت دوچندانی دارد. تجربه جهانی نشان می‌دهد زمانی که مقررات شفاف و قابل پیش‌بینی وجود دارد، استیبل کوین‌ها می‌توانند به‌جای تهدید، به فرصت تبدیل شوند و ارزش افزوده واقعی ایجاد کنند.

فرصت‌سوزی ساختاری در اقتصاد دیجیتال

در حالی که بسیاری از کشورها رمزارزها را به ابزار رشد اقتصادی و توسعه کسب‌وکار تبدیل کرده‌اند، سیاستگذاری در ایران همچنان گرفتار بلاکلیفی و نگاه سلبی باقی مانده است. نبود چارچوب قانونی مشخص، تصمیمات متناقض و برخورد‌های مقطعی باعث شده است فعالان این حوزه امکان برنامه‌ریزی بلندمدت نداشته باشند. این وضعیت، فضای نااطمینانی ایجاد کرده است و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را از ورود رسمی به بازار ایران بازداشته است. ایران می‌توانست از رمزارزها به‌عنوان ابزاری برای دور زدن محدودیت‌های بانکی، تسهیل تجارت خارجی و جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور استفاده کند. این ظرفیت وجود داشت که استارت‌آپ‌های بلاک‌چینی به موتور اشتغال‌زایی تبدیل شوند و بخشی از اقتصاد دیجیتال کشور را شکل دهند. اما فقدان سیاستگذاری منسجم باعث شد بسیاری از این کسب‌وکارها یا به فعالیت زیرزمینی روی بیاورند یا مسیر جایگزین را انتخاب کنند.

درحالی‌که در بازارهای جهانی، مجوزهای فعالیت رمزارزی به دارای ارزشمند تبدیل شده‌اند و شرکت‌ها برای خرید آنها هزینه‌های سنگین پرداخت می‌کنند، در ایران مسیر اخذ مجوز همچنان مبهم است. این وضعیت نه‌تنها مانع شکل‌گیری شرکت‌های شفاف و نوآیند شده است، بلکه دولت را نیز از درآمدهای مالیاتی و نظارتی محروم کرده است. این نوع فرصت‌سوزی، هزینه‌ای پنهان اما سنگین برای اقتصاد کشور ایجاد می‌کند و فاصله ایران را با روندهای جهانی عمیق‌تر می‌سازد.

بورس و بانک

در اقتصاد

یکشنبه ۲۱ دی ماه ۱۴۰۴ | شماره ۸۴۰

www.marzeghtesad.ir

✦ بورس و عبور از مرزهای روانی

بورس تهران در هفته گذشته توانست از مرز روانی ۴میلیون‌واحدی عبور کند. به‌نظر فعالان و کارشناسان بازار سرمایه این عبور هم از نظر روانی و تکنیکال اهمیت پیدا می‌کند و هم اعتماد را به بازار سهام بازمی‌گرداند. البته در کنار این مهم، برای تداوم رشد پایدار در بازار سهام، نیازمند کاهش ریسک سیستماتیک و بهبود مکانیسم‌های بازار، خصوصاً دامن‌نوسان هستیم.

تغییر فاز انتظارات

مهدی آقاطفی، کارشناس بازار سرمایه گفت:

عبور شاخص کل بورس از سطح ۴میلیون واحد و هم‌زمانی آن با فتح کانال یک میلیون‌واحدی شاخص هموزن را نمی‌توان صرفاً یک اتفاق تکنیکال یا هیجانی تلقی کرد. این رخداد بیش از هر چیز، نشانه تغییر فاز انتظارات در بازار سرمایه و بازتعریف نگاه سرمایه‌گذاران نسبت به متغیرهای کلان اقتصاد است. به‌ویژه آنکه رشد اخیر، هم نمادهای بزرگ و هم بدنه بازار (نمادهای کوچک) را دربر گرفته‌است. یکی از مهم‌ترین محرک‌های این تغییر فاز، سیگنال‌های هفته در بودجه‌اعلامی دولت است. بازار سرمایه بدرستی این پیام را دریافت‌کرده که در شرایط کسری ساختاری و محدودیت منابع، سیاستگذار ناگزیر به پذیرش واقعیت‌های اقتصادی مانند افزایش نرخ ارز موثر، تعدیل تدریجی قیمت‌گذاری‌های دستوری و انکاه به سودآوری شرکت‌های بزرگ بورسی برای جبران بخشی از ناترازی مالی دولت است. همین برداشت، انتظارات سودآوری در صنایع کالامحور و صادراتی را تقویت کرده و باعث بازگشت نسبی تقاضا به بازار سهام شده‌است. در کنار متغیر بودجه، رشد انتظارات تورمی، فاصله‌قابل‌توجه بورس با بازارهای موازی در ماه‌های گذشته و بهبود نسبی گزارش‌های عملکرد شرکت‌ها، زمینه ورود مجدد نقدینگی را فراهم کرد.مدت. افزایش ارزش معاملات و هم‌زمانی رشد شاخص کل و هموزن، از نشانه‌های مهم این تغییر رفتار محسوب می‌شود.

با این‌حال، تصویر بازار بدون اشاره به ریسک‌های ساختاری بیشتر کامل نخواهد بود. یکی از مهم‌ترین این ریسک‌ها، ناترازی انرژی است؛ چالشی که می‌تواند اثر مستقیم و معناداری بر سودآوری صنایع بزرگ بورسی داشته‌باشد. محدودیت در تامین برق و گاز، به‌ویژه برای صنایعی مانند فولاد، سیمان، پتروشیمی، پالایشی‌ها و معادن، ریسک کاهش تولید، افزایش هزینه‌های عملیاتی و بی‌ثباتی در پیش‌بینی سود را به‌همراه دارد. تجربه سه‌سال‌های اخیر نشان‌داده است که هرگونه اختلال انرژی، به‌سرعت خود را در صورت‌های مالی این صنایع و نوسانات قیمتی بازار منعکس می‌کند. او به چشم‌انداز بازار سهام پرداخت و گفت: به‌نظر می‌رسد بازار سهام در مسیر یک روند صعودی غیرخطی قرار دارد؛ روندی که رشد آن با اصلاح‌های مقطعی و نوسانات طبیعی همراه خواهد بود. انتظار نمود رشد بدون وقفه، با واقعیت‌های اقتصادی و بودجی و عملیاتی همخوانی ندارد. واکنش بازار به سیاست‌های ارزی، تحولات بودجی و محدودیت‌های انرژی، می‌تواند در مقاطع مختلف منجر به افزایش عرضه و شناسایی سود شود. در مجموع، عبور شاخص‌ها از سطوح فعلی را می‌توان نشانه ورود بورس به مرحله‌ای دانست که در آن تحلیل، مدیریت ریسک و توجه هم‌زمان به فرصت‌ها و محدودیت‌های اقتصاد کلان اهمیت بیشتری نسبت به گذشته پیدا کرده‌است. در این فضا، سرمایه‌گذارانی موفق‌تر خواهند بود که سیگنال‌های بودجی و ارزی را در کنار ریسک‌های ساختاری اقتصاد، به‌ویژه ناترازی انرژی، بررسی در تصمیم‌های خود لحاظ کنند.

چرخه تکراری بورس تهران

نوسند رجایی، کارشناس بازار سرمایه عبور شاخص کل از ۴میلیون واحد را یک نقطه‌عطف روانی و فنی برای بازار سرمایه دانست و گفت: این اتفاق نه فقط به دلیل عدد مذکور، بلکه به‌دلیل اینکه بعد از مدت‌ها، بازار سهام توانسته دوباره «تصوریرشد» را به سرمایه‌گذار نشان بدهد، اهمیت دارد. دو واقعیت را می‌توان برای تحلیل بازار سهام درنظر گرفت؛ از یک‌طرف بازار وارد روزهای نسبتاً بهتری شده و از طرف دیگر، این رشد اگر قرار است پایدار باشد باید بر پایه‌متغیرهای بنیادی، بهبود کارایی بازار و کاهش ریسک‌های سیستماتیک شکل بگیرد؛ در این‌هکه صرفاً توجه به تسکینات یا حمایت‌های مقطعی باشد.

به نظر وی، بزرگ‌ترین ریسک بازار در سالیان گذشته ریسک سیاسی است. او گفت: ریسک سیاسی عملاً باعث‌شده بخش بزرگی از شرکت‌های بورسی از منظر ارزش‌گذاری بازاریابی متوقف شوند. وقتی ریسک سیاسی بالا می‌رود، بازار مجبور است یک «حق‌بیمه ریسک» سنگین روی قیمت‌ها بگذارد؛ یعنی حتی اگر یک شرکت از نظر عملیاتی سودده باشد، جریان‌های نقدی آتی (Free Cash Flow) آن با نرخ تنزیل بالاتری (Discount) می‌شود و نتیجه این می‌شود که قیمت تابلو پایین‌تر از ارزش ذاتی می‌ایستد. در چنین شرایطی، بسیاری از نمادهای بورسی در وضعیت Undervaluation قرار گرفتند؛ یعنی به‌رغم اینکه ممکن بود سود عملیاتی، دارایی‌ها یا حتی چشم‌انداز صنعت جذاب باشد، بازار به‌خاطر نااطمینانی بیرونی، حاضر نبود نسبت‌های ارزش‌گذاری را «باز» کند. به‌عنوان مثال، هر زمان موج تقاضا شکل می‌گرفت و نشانه‌هایی از ورود نقدینگی دیده می‌شد، با تردید و عقب‌نشینی مواجه بودید؛ چون بازار به‌جای تمرکز بر متغیرهای مثل EPS/EVEBITDA، P/E، کیفیت سود، حاشیه سود، یا حتی NAV و ارزش جایگزینی، دلبدا در حال قیمت‌گذاری ریسک‌هایی بود که دست سرمایه‌گذار از کنترل آن کوتاه است. نتیجه‌اش هم یک چرخه تکراری رشد‌های مقطعی، ایجاد صاف سپس ترس، بود. خروج پول و در نهایت فرسایش اعتماد می‌شد. در واقع موج تقاضا همواره با نوعی «سروکوب» مواجه می‌شد،

▼ **راهل «اجتماعی» ترافیک تهران**

ترافیک تهران راه‌حل زودبازدهی ندارد. شرایط روزبه‌روز بدتر می‌شود. همه با آن درگیرند و کسی کم‌ترین امیدی به بهبود آن ندارد. خودروها هجوم آورده به خیابان، راه‌ها بسته، شهروندان سرگردان و همه از این وضعیت خسته. تناقض‌های سختی هم در این بین برروز می‌کنند دولت فکر می‌کند شخصی و تاکسی اینترنتی کم می‌شود، اما بنزین را گران می‌کند و ترافیک بدتر می‌شود. کارشناس می‌گوید اگر می‌خواهید راحت‌تر در شهر تردد کنید، باید کمتر از خودروی شخصی استفاده کنید. شهروند اما به‌وضوح می‌بیند اگر می‌خواهد راحت‌تر برود و بیاید، دقیقاً باید از خودروی شخصی استفاده کند. انگار در یک بازی دوسر باخت گیر کرده‌ایم؛ مگر اینکه چیزی در کل معادله تغییر کند.

راهنمای «اجتماعی» ترافیک تهران

ما اولین شهر و کشوری نیستیم که درگیر ترافیک فراگیر گسترده و پیامدهای آن در حوزه آلودگی هوا و فرسودگی شهری شده‌ایم. تجربه اتلاف‌وقت و انرژی ما مختص ما نیست، اما اگر نگویم بدترین، دست‌کم یکی از بدترین نسبت‌ها را در زمینه استفاده مغرط همگانی از خودروی شخصی تجربه کرده‌ایم و بدتر آنکه این تجربه به‌غایت مزمن و کشنده شده‌است. همان‌طور که استمرار تورم و تحریم در طول سالیان باعث‌شده که استخوان‌بندی اقتصاد پوک شود، استمرار ترافیک و ناکامی سیاست‌های مهار آن هم باعث‌شده که پیکره حمل‌ونقل شهر و عادات آموخته‌شده شهروندان، با این بیماری سازگار شود. امید به بهبود وجود ندارد، کسی هم به‌دنبال درمان نیست. نتیجه این شده که حداقل ۱۰ سال است در نظرمن‌ها، ترافیک و آلودگی هوا مهم‌ترین اولویت‌های شهروندان تهرانی اعلام می‌شود، اما هیچ تلاشی نتوانسته است گشایشی ایجاد کند. نه طرح ترافیک، نه زوج و فرد کردن، نه افزایش هزینه پارک حاشیه‌ای، نه اولویت‌سازی، نه نه تبلیغات فرهنگی، هیچ‌یک نتوانسته‌اند وضعیت خودرومحور حاکم بر شهر و معیار آن را علاج کنندبااین اعتراف تلخ اما ضروری است: خودروگرایی توانسته است رویکردهای انسان‌محور را شکست دهد. طرح جامع حمل‌ونقل شهر تهران تجویز می‌کرد که در اقی ۱۴۰۴ سهم حمل‌ونقل عمومی به سه‌چهارم کل سفرها برسد و خودروی شخصی در سبقت ۲۵درصد مهار شود، اما این نسبت هم از ۱۵درصد فراتر رفته‌است و با درنظرگرفتن سهم تاکسی‌های اینترنتی، این عدددر محدوده ۶۵ تا ۷۰درصد برآورد می‌شود. بدین‌سان نه فقط در هدف‌گذاری کاملاً برعکس عمل کرده‌ایم، بلکه همچنان در مسیر معکوس حرکت می‌کنیم: حجم خودروها مدام بیشتر می‌شود، ناوگان حمل‌ونقل عمومی مدام رو به کاهش و فرسایش است، شهرداری نتوانسته حتی میزان اندکی از وعده تجهیز مترو به هزار واگن نو را محقق کند، در عوض بودجه‌ها را خرج معابر و اتوبان‌های جدید می‌کند و اتوبو خودروها حتی اعمال انضباط حداقلی راهنمایی و رانندگی را هم ناممکن ساخته‌است. بی‌بروبی اخیر خودروهای شخصی در ورود به مسیر ویژه اتوبوس‌های بی‌آرتی نماد آشکار گسیختگی مدیریت شهری در حوزه ترافیک و شیپور پیروزی و سیطره خودرومحوری است. هجوم هرروزه خودروها از اطراف استان به شهر تهران هم که یک داستان جدی‌است این وضعیت نتیجه یک روند حداقل

۱۰ساله است. کار از آنجا گره خورد که تحریک‌ها امکان نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی را سلب کرد و زیرساخت‌ها تدریجاً فرسوده شدند و شرایط اقتصادی باعث شد که سرمایه‌گذاری در اقتصاد حمل‌ونقل افت کند. هم‌زمان خودرو به دارایی سرمایه‌ای تبدیل شد که کارکرد مصرفی هم دار و شهروند می‌دید که ترجیح خریدن شخصی نه فقط توجیه رفاهی، بلکه صرفه اقتصادی هم دارد. سپس تاکسی‌های اینترنتی به‌عنوان یک راه‌حل غیرتولدی جریان ناتوانی مسوولان از پاسخ به افزایش تقاضای عمومی سفر را برعهده گرفتند. کرونا هم به‌واسطه نگرانی از شیوع باعث کمتر از نصف‌شدن استفاده از حمل‌ونقل عمومی شد. مجموعه اینها و عوامل دیگر دست به‌دست هم دادند تا خودروها به مالک مطلق‌العنان معابر شهر بدل شوند و اتوبوس و مترو پناهگاه‌ناگزیر شهروندان عمدتاً فرودستی‌بلند که از سر ناچاری سوار آنها می‌شوند.

حال چه باید کرد؟ آسیب‌شناسی روند طی‌شده نشان می‌دهد؛ مشکل اصلی در عدم‌توازن بین دو سمت عرضه و تقاضا است. در سمت عرضه، کالای باکیفیتی و جذاب وجود ندارد. در سمت دیگر، کاهش تقاضا باعث‌شده که نهاد متولی عرضه کالای عمومی، تحت‌فشار اجتماعی برای توسعه و بهبود حمل‌ونقل همگانی نباشد. سیاستگذار هم ناتوان از مدیریت بازار، مجال و توان تنظیم‌گری را از دست داده‌است. رویکردهای تنبیهی، هزینه‌افزا و متمرکز بر ایجاد محدودیت و ممنوعیت در سیاستگذاری‌های ترافیکی از چرخاندن موازنه در تریجات به سمت حمل‌ونقل عمومی عاجز بوده‌اند. جرات و خلاقیتی برای چرخش به سمت سیاست‌های تشویقی هم وجود نداشته‌است. در نتیجه سیاستگذار شهری در وضعیت بی‌تصمیمی و بی‌تابثیری، کار را رها کرده‌است. همچون بیماری که روی تخت افتاده باشد و به محرک‌های دارویی و غذایی جواب ندهد. ترافیک تهران نیازمند شوک است. اگر همین روند بی‌تصمیمی و ناتوانی مدیریت شهری از توقف روند فزاینده میل و عادت به استفاده از خودروی شخصی ادامه یابد، زندگی روزمره در شهر از این هم سخت‌تر خواهدشد و شاید بیمار به آستانه غیرقابل‌بازگشت برسد و درمان بی‌اثر شود. این شوک فقط در صورتی می‌تواند بر وضعیت ناگوار ترافیک تهران مؤثر باشد که نظم موجود و معیوب عرضه و تقاضا را بهمم برزد.



پایان شرکت‌داری با «زمین دولتی»

«بیتا حسن پور – جزایر تصمیم‌گیری برای «تنظیم‌بازار زمین و مسکن» در وزارت راه و شهرسازی که هر کدام‌شان در این سال‌ها در قامت یک وزارت‌خانه، «بزرگ» شدند و به پشتوانه «اراضی دولتی»، قدرت نامرئی قابل‌توجهی برای اجرای تصمیمات موازی پرهزینه یا کج‌بازده پیدا کرد.دوبوند، سرانجام به ایستگاه «حذف یاداغام» رسیدند.

جزئیات تصویب‌نامه ۱۴ص‌ف‌های شورای‌عالی اداری با امضای معاون اول رئیس‌جمهور در قالب «تدوین سند جدید ماموریت، وظایف اساسی و اصلاح ساختار وزارت راه و شهرسازی» حاکی است: از این پس کلیه امور برنامه‌ریزی و سیاستگذاری برای «زمین و مسکن» و همچنین هر نوع تصمیم‌گیری در قالب «تنظیم عرضه و تقاضا در بازار مسکن» و از همه مهم‌تر، «برنامه‌ریزی برای مدیریت زمین‌های دولتی تحت‌مالکیت دستگاه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه وزارت راه و شهرسازی»، از زیرمجموعه‌های شرکتی این وزارتخانه منفک می‌شود و مسوولیت آن در اختیار ستاد مرکزی وزارت‌خانه، معاونت مسکن و ساختمان، قرار می‌گیرد. مالکان زمین‌های دولتی زیرمجموعه، فقط اجازه «راهبری» سیاست‌هایی را دارند که در ستاد وزارتخانه «راهبردهای» آن وضع می‌شود.

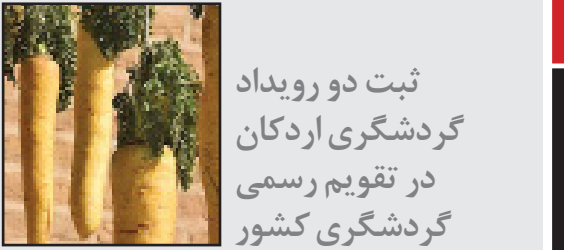
حذف «اختیار» از شرکت‌های مالک زمین دولتی، برای تصمیم‌گیری درباره «چگونگی واگذاری اراضی تحت‌مالکیت‌شان و تعریف اهداف فروش، تهاثر یا مشارکت در ساخت با اراضی دولتی» را می‌توان «ستون فقرات» این اصلاح ساختار توصیف کرد، به‌طوری‌که چنانچه «اصلاحات» واقعا اتفاق بیفتد و «تفاسیر احتمالی از برخی کلمات و عبارات‌های مبهم درون تصویب‌نامه» صورت‌نگیرد، می‌توان پیش‌بینی کرد پیامدهای آن به نفع «واگذاری رقابتی زمین‌های دولتی به بخش خصوصی و توسعه‌دهنده‌ها» خواهدشد؛ ضمن آنکه می‌توان این احتمال را هم درنظر گرفت که «ظرفیت زمین‌های خام دولتی به‌جای آنکه عمدتاً در خدمت اهداف شرکتی باشد، کاملاً برای اهداف ملی تأمین مسکن تخصیص پیدا می‌کند و توزیع می‌شود.»

۷ ماموریت وزارت راه و شهرسازی برای «زمین و مسکن»

وزارتخانه متولی مسکن براساس «ساختار جدید» باید ضمن «محدودسازی اختیارات دو شرکت و یک سازمان» و همچنین «بازتعریف صندوق ملی مسکن»، ۷ ماموریت را برای بهبود اوضاع بخش مسکن و ساختمان پیش ببرد. این ماموریت‌ها که براساس «حذف کارهای خارج از چارچوب سیاستگذاری»، «حذف وظایف تکراری زیرمجموعه‌های وزارتخانه» و همچنین «حذف تشکیلات موازی» تعیین شده‌است، عبارتند از: «برنامه‌ریزی برای مدیریت زمین و نحوه توسعه فیزیکی شهرها (بارگذاری‌های جدید ساختمانی و جمعیتی)»، «تدوین راهبردهای تنظیم عرضه و تقاضای مسکن»، «نیازسنجی تقاضای خانه در قالب تدوین طرح جامع مسکن»، «تعیین اولویت مکانی ساخت مسکن حمایتی به‌صورت اول، بافت‌های فرسوده، دوم توسعه متصل شهرها و در نهایت توسعه متصل با ایجاد سکونتگاه‌های جدید»، «واگذاری کار اجرایی ساخت و تأمین مسکن حمایتی به بخش خصوصی»، «تدوین شرایط تخصیص بهینه منابع مالی بخش مسکن» و «تعمهد شرایط تاسیس و فعالیت صندوق‌های سرمایه‌گذاری برای مسکن اجاره‌ای».

اسباب کنشی «اختیارات» از شرکت‌ها به وزارتخانه

در ساختار جدید وزارت راه و شهرسازی، بخشی از وظایف، مسوولیت‌ها و اختیارات سازمان ملی زمین و مسکن، شرکت بازآفرینی شهری و شرکت عمران شهرهای جدید، از آنها سلب می‌شود و به ستاد مرکزی وزارت راه و شهرسازی منتقل می‌شود. تا پیش از این، سازمان ملی زمین براساس مصوبه سال ۷۲ شورای‌عالی اداری، به‌عنوان «شرکت سهامی دولتی شخصیت حقوقی مشخص و استقلال مالی» بود که طبق وظایف و ماموریت‌های محول‌شده به آن، این سازمان می‌توانست به‌طور مستقل «در بازار زمین و مسکن و ساختمان‌سازی، سرمایه‌گذاری کند یا



ثبت دو رویداد گردشگری اردکان در تقویم رسمی گردشگری کشور

با بخش خصوصی پروژه‌های مشارکت ساختمانی تعریف کند.» سازمان ملی زمین و مسکن حتی اجازه داشته‌است، برای «ایجاد کارخانه تولید مصالح ساختمانی، مشارکت کند.» بخش دیگری از وظایف و اختیارات سازمان ملی زمین و مسکن از اوایل دهه ۷۰ تاکنون، «فعالیت در زمینه تأمین مسکن» بوده‌است.

بررسی‌های «دنیای‌اقتصاد» از مسوولیت‌هایی که سازمان مالک زمین‌های دولتی طی حدود سه دهه‌گذشته داشته‌است، نشان می‌دهد: درست شبیه انحراف کارکرد برخی بانک‌ها طی سال‌های گذشته که به‌جای بانکداری، به «فعالیت‌های ساختمانی در نقش بنگاه بزرگ معاملات ملکی» مشغول بودند، ساختار مصوب دهه ۷۰ سازمان ملی زمین نیز اجازه داده بود «شرکت دولتی به‌جای بخش خصوصی، فعالیت ساختمانی کند.»

با این حال سازمان ملی زمین و مسکن طی این سال‌ها، نقش قابل‌توجهی در «تأمین زمین ۹۹ساله» برای طرح‌های ملی مسکن مهر و مسکن ملی ایفا کرد اما در کنار آن، حجم قابل‌توجهی «پروژه مشارکت در ساخت» با سازنده‌های حقوقی نیز به اجرا درآمد.اکنون انتظار می‌رود با اصلاح ساختار، «ظرفیت کامل» اراضی دولتی به‌صورت «بازار رقابتی» در اختیار بخش خصوصی سرمایه‌گذار ساختمانی و همچنین «طرح‌های مسکن حمایتی» باز با مسوولیت اجرایی بخش خصوصی قرار بگیرد.طبق ماده ۳ «تصویب‌نامه اصلاح ساختار وزارت راه و شهرسازی»، وظیفه تنظیم‌گری بازار زمین و مسکن و نظارت بر آن از سازمان ملی زمین و مسکن جدا می‌شود و به ستاد وزارتخانه منتقل می‌شود. سازمان ملی زمین فقط وظیفه «تأمین» و بهره‌برداری از زمین» و «راهبری تأمین مسکن حمایتی» را برعهده دارد. دومین شرکت دولتی که «اختیارات» آن به واسطه «اراضی تحت‌اختیارش»، محدود می‌شود، شرکت شهرهای جدید است. این شرکت نیز دهه ۷۰ به‌وجود آمد و طبق مصوبات دولتی در آن زمان، «شرکت دولتی دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی» است که موضوع فعالیت‌ها و اختیارات آنها، عملاً «یک وزارتخانه» در دل وزارت مسکن آن زمان و وزارت راه و شهرسازی فعلی ایجاد کرده‌است. متولی شهرهای جدید در این سال‌ها «نیازسنجی تقاضای مسکن و برنامه‌ریزی توزیع تقاضا» انجام داده‌است؛ ماموریتی که در واقع، باید توسط ستاد مرکزی وزارتخانه در معاونت مسکن، تحقق پیدا کند. این شرکت همچنین طبق قانون، اجازه داشته‌است پروژه‌های «مشاکت در ساخت» را تعریف و اجرا کند که این هم، حوزه اختیار را به «حوزه فعالیت بخش خصوصی» کشانده است. اکنون طبق ماده ۳ تصویب‌نامه «اصلاح ساختار وزارت راه و شهرسازی»، ۲۲ شرکت عمران شهرهای جدید در شرکت مادر ادغام می‌شوند و سیاست‌های مربوط به توسعه شهرهای جدید در ستاد مرکزی وزارتخانه وضع خواهدشد. سومین شرکت دولتی فعال در بخش زمین و مسکن، یعنی شرکت بازآفرینی شهری که متولی نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده است نیز پایان پیدا می‌کند؛ به‌طوری‌که سیاستگذاری برای بافت‌ها در ستاد مرکزی وزارتخانه و اقدامات اجرایی مربوط به زمین‌های دولتی در بافت نیز در سازمان ملی زمین پیش‌برده خواهدشد.

۶ پیامد «تصفیه ماموریت‌های شرکتی» در وزارتخانه متولی مسکن

بررسی‌های «دنیای‌اقتصاد» از نتیجه احتمالی «ادغام وظایف و اختیارات جزایر شرکتی» در وزارت راه و شهرسازی در بخش مسکن و شهرسازی نشان می‌دهد، چنانچه عملیات تصفیه و اصلاح ساختار مطابق «انتظارات کارشناسی» پیش برود، پیامدهای مثبتی تا حاصل «پایان دادن به قسمت‌های دارای تعارض منافع» در بخش مسکن برود پدید خواهد کرد. می‌توان انتظار داشت، «فعالیت دولتی بساز و بفروشی» روی زمین‌های دولتی، متوقف یا محدود خواهدشد. برخی شرکت‌های دولتی و حتی شرکت‌های متعلق به نهاد‌های عمومی، «رقیب همیشه برنده» بخش خصوصی در بازار فعالیت‌های ساختمانی بوده‌اند. این شرکت‌ها به پشتوانه «منبع بسیار ارزشمند و گران زمین دولتی»، از قدرت بالا در بازار ملک و ساختمان برای فعالیت برخوردار هستند و با «کنارزنی» بخش خصوصی، عملاً امکان شکل‌گیری «شرایط رقابتی» در بازار ساخت و تولید مسکن را از بین می‌برند، ضمن آنکه تبعات این پدیده «کنارزنی»، سرخوردگی بخش خصوصی، افزایش هزینه تولید مسکن و ساختمان و تبعات منفی در بازار عرضه مسکن مصرفی است. پیامد دوم اصلاح ساختار نیز «پایان چسبندگی» دولت به «زمین دولتی» است که باعث خواهدشد مسیر عرضه به بازار تولید فراهم یابد.

جزایر «زمین‌دار» در وزارت راه و شهرسازی طی این سال‌ها، همواره سرگرم «مسابقه درون‌وزارتی» برای «تصاحب منابع» برای اجرای «طرح‌های جزیره‌ای تأمین مسکن» بودند.در برخی سال‌ها، نتیجه مسابقه، به «ضرر خانه‌نادرها» و به زیان «منابع دولت و بانک‌ها» تمام شد؛ مثلاً در دوره‌ای، «اولویت ساخت مسکن حمایتی» از «بافت فرسوده» درون شهرها که «هزینه ساخت به‌خاطر فراهم‌بودن آب و برق و گاز» به‌مراتب ارزان‌تر از «بیرون شهرها» است، گرفته شد و به «زمین‌های ۹۹ساله آماده‌نشده شهرهای جدید» داده شد. در دوره‌ای هم، «وام ساخت مسکن» در بافت‌فرسوده با نرخ سود بیشتر از «وام ساخت در شهرهای جدید» داده شد. این مدل «سیاستگذاری جزیره‌ای»، قرار است در ساختار جدید، «پایان» پیدا کند. مطابق تصویب‌نامه، «اولویت اول تأمین مسکن» با بافت‌فرسوده است. امروز، «آماده‌سازی زمین خام بیرون از شهر» برای ساخت مسکن حمایتی، به ازای هر واحد، دست‌کم ۸۰۰میلیون تومان است؛ رقمی که حتی از «کل وام ساخت مسکن حمایتی» هم حدود ۱۵۰میلیون تومان بیشتر است.

پیامد سوم اصلاح ساختار، «احیای قدرت مرجع اصلی برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مسکن» است؛ معاونت مسکن و ساختمان. تا پیش از این، هرکدام از جزایر تصمیم‌گیری در این وزارتخانه، مستقل از معاونت مسکن، عمل می‌کردند. در آینده اما «برحسب نقشه‌راه طرح جامع مسکن» که در معاونت مسکن تدوین می‌شود، شرکت‌های زیرمجموعه وزارتخانه باید «هجری» نقشه‌راه باشند. پیامد مثبت دیگر را می‌توان به «آزادسازی کلید خزانه زمین دولتی» از حالت «تأمین ذی‌نفعانه» عنوان کرد. وقتی یک شرکت دولتی صاحب زمین دولتی، هم مسوولیت «تأمین زمین برای ساخت مسکن حمایتی» را دارد و هم اختیار «عقد قرارداد با شریک ساختمانی» برای ساخت‌وساز و نتیجه آن، شکل‌گیری «تعارض منافع» و آسیب‌رسیدن به ماموریت اول می‌شود. برخی شرکت‌های دولتی در برخی دستگاه‌ها طی سال‌های

گذشته، اجازه داشتند حتی برای «تسویه بدهی‌های خود»، زمین‌های تحت‌اختیار را تهاثر کنند. آخرین پیامد مثبت اصلاح ساختار وزارت راه و شهرسازی و زمین‌های دولتی «بروزه‌های رقابتی» روی زمین‌های دولتی و واگذاری منابع

برمبنای «بازار رقابتی» دانست. گفته می‌شود، عملیات اصلاح ساختار احتمالاً در سال ۱۴۰۵ آغاز می‌شود.

رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی شهرستان اردکان از ثبت دو رویداد گردشگری این شهرستان در تقویم رسمی رویدادهای گردشگری جمهوری اسلامی ایران خبر داد.مجاهد کرباسی با اعلام این خبر گفت: شهرستان اردکان به‌عنوان نخستین شهرستان استان یزد موفق شده است دو رویداد گردشگری را در این تقویم به ثبت برساند؛ اقدامی که نشان‌دهنده ظرفیت‌های گردشگری، کشاورزی و مشارکت‌محور این شهرستان است.

وی افزود: جشنواره زردک خراق که تاکنون سه دوره از آن در شهر تاریخی خراق برگزار شده و همچنین جشنواره فرآورده‌های کنجدی اردکان که دو دوره از آن برگزار شده است، پس از طی مراحل قانونی و با هماهنگی های لازم با وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و اداره کل میراث فرهنگی استان یزد، در فهرست رویدادهای گردشگری کشور ثبت شده‌اند.به گفته رئیس میراث فرهنگی اردکان، جشنواره زردک خراق با محوریت یکی از محصولات شاخص کشاورزی، نقش موثری در معرفی ظرفیت‌های گردشگری کشاورزی شهرستان اردکان دارد، همچنین جشنواره فرآورده‌های کنجدی اردکان، با توجه به پیشینه این شهرستان در تولید محصولات کنجدی، می‌تواند زمینه‌ساز برندسازی گردشگری خوراک در اردکان باشد.

سبقت تورم خودرو از دلار

دلار می‌رساند اما حالا قیمت این خودرو به یک‌میلیارد و ۴۰۰میلیون تومان رسیده تا بهای ثبت‌شده برای آن نیز ۱۰هزار و ۴۱۷ دلار باشد، بنابراین قیمت این خودرو رشد ۸۹۳ دلاری و ۹۸درصدی را تجربه کرده‌است.

اطلس نیز در رتبه سوم این رده‌بندی قرار می‌گیرد، به‌طوری‌که بهای آن از ۷۰۰میلیون تومان به ۹۷۰میلیون تومان در بازه مورد بررسی رسیده‌است. در نظر گرفتن دلار ۱۰۵هزارتومانی برای انتهای شهریور و ۱۳۴هزار و ۴۰۰تومانی برای آخرین روز از معاملات هفته گذشته می‌توان گفت؛ بهای این خودرو از ۶۶۷ دلار به ۷هزار و ۲۱۷ دلار رسیده که نشانگر رشد ۵۵۰ دلاری و ۸۲درصدی است.

اما بهای همه خودروهای داخلی رشد نداشتند و برخی از آنها نیز با کاهش ارزش دلاری مواجه بوده‌اند که همه این خودروها در سقف قیمتی داخلی‌ها قرار دارند. برای مثال می‌توان به ریو اشاره کرد. این محصول ایران‌خودرو چهارشنبه هفته گذشته در بازار ۲میلیارد و ۱۸۰میلیون تومان قیمت‌گذاری شد که بهای آن را به ۱۶هزار و ۲۲۰ دلار می‌رساند اما ۲۱ شهرپوماه که قیمت آن یک‌میلیارد و ۷۵۰میلیاردتومان بود، قیمت این خودرو به ۱۶هزار و ۶۶۷دلاری می‌رسید، بنابراین این رقم در مدت زمان یادشده ۴۴۷ دلار معادل ۲۰۷درصد کمتر شده‌است.

نگاهی هم به لیست خودروهای مونتاژی داشته باشیم. از بین ۱۰ محصول مونتاژی مورد بررسی ما بیشترین رشد بهای دلاری مربوط به KMC است. بهای این خودرو در بازه زمانی مذکور از ۲۰هزار و ۹۵۲ دلار به ۲۴هزار و ۵۵۴ دلار رسیده تا رشد سه‌مهره و ۲۰۲ دلاری و ۱۷۰۲درصدی داشته‌باشد. فونیکس آریزو۶ نیز با اختلاف زیاد در رده دوم قرار گرفته و رشد قیمت دوهزار و ۱۰۱دلاری و ۰۸درصدی داشته و بهای آن از ۱۹هزار و ۴۷۶ دلار به ۲۲هزار و ۵۷۷ دلار رسیده‌است، در مقابل اما بهای دلاری دو محصول نیز کاهش یافته‌است. MVM X۲۱ پسر و ۳درصد و فیدلیستی پرایم ۱قره نیز ۵۰۱درصد افت را در ارزش دلاری خود ثبت کرده‌اند.

خودروهای هم‌قیمت در بازار بین‌المللی

میانگین بهای دلاری خودروهای داخلی مورد بررسی ما به حدود ۱هزار و ۷۰۰ دلار می‌رسد. نگاهی به بازار جهانی نشان می‌دهد این رقم در بسیاری از کشورها امکان خرید خودروی صفرکیلومتر را فراهم می‌کند. در این بازه قیمتی، محصولاتی مانند هیوندای گرند ۱۰، کیا پیکتو، سوژوکی سلریو، تویوتا آگیا، تاتا ناگو و رنو کوئید در نسخه‌های بالاتر عرضه می‌شوند که همگی در کلاس خودروهای شهری و اقتصادی قرار دارند. این خودروها اگرچه از نظر ابعاد و قدرت موتور ساده و کچهزینه طراحی شده‌اند، اما بر پایه پلنفرم‌های جدید ساخته‌شده و استانداردهای ایمنی روز را پاس می‌کنند.

در مقابل، خودروهای داخلی که میانگین قیمت دلاری آنها به حدود ۱هزار و ۷۰۰ دلار رسیده، عمدتاً متکی بر پلنفرم‌های قدیمی و فناوری‌های ساده هستند و از نظر ایمنی و کیفیت ساخت فاصله محسوسی با این محصولات جهانی دارند. به بیان دیگر، درحالی‌که با پرداخت چندین رقمی در بازار جهانی می‌توان صاحب خودرویی مانند گرند ۱۰ یا پیکتو صفرکیلومتر شد که حداقل‌های ایمنی و کیفیت قیمتی ارائه می‌دهد، در بازار داخلی همین بهای دلاری صرف خودروهایی می‌شود که مزیت قیمتی سنتی خود را از دست داده‌اند، اما از نظر ایمنی و متناظری در سطح کیفیت محصول رخ‌داده باشد. در سطح قیمتی حدود ۱۹هزار و ۷۰۰ دلار که معادل میانگین بهای دلاری خودروهای مونتاژی مورد بررسی است، فاصله میان بازار ایران و بازار جهانی پررنگ‌تر از بخش خودروهای داخلی می‌شود.



می‌دهد بیشتر این خودروها هدف تقاضا در بازار قرار گرفته‌اند، در مقابل خودروهای داخلی که بهای آنها نزدیک به محصولات مونتاژی است حتی کندتر از دلار دچار رشد قیمت شده‌اند یا به‌عبارتی بهای دلاری آنها رو به کاهش رفته‌است.

این موضوع نشان می‌دهد؛ در این بازه قیمتی افراد بیشتر ترجیح می‌دهند که خودروی مونتاژی خریداری کنند. اما رشد قابل‌توجه بهای دلاری خودروهای داخلی و مونتاژی نتایجی دارد که از چند جهت قابل‌بررسی است. ابتدا اینکه این خودروها در حال از دست‌دادن مزیت قیمتی خود هستند. خودروهای داخلی و مونتاژی طی سال‌های اخیر به‌طور سنتی از مزیت قیمت دلاری پایین برخوردار بوده‌اند؛ مزیتی که عمدتاً ناشی از سرکوب قیمت، از ارز ارزقیمت‌تر و کیفیت پایین‌تر بوده‌است، اما رشد قیمت دلاری به این معنا است که بهای دلاری خودروهای داخلی در حال نزدیک‌شدن به بهای برخی خودروها در بازار جهانی است، بدون اینکه از نظر کیفیت به آنها نزدیک شده باشد.

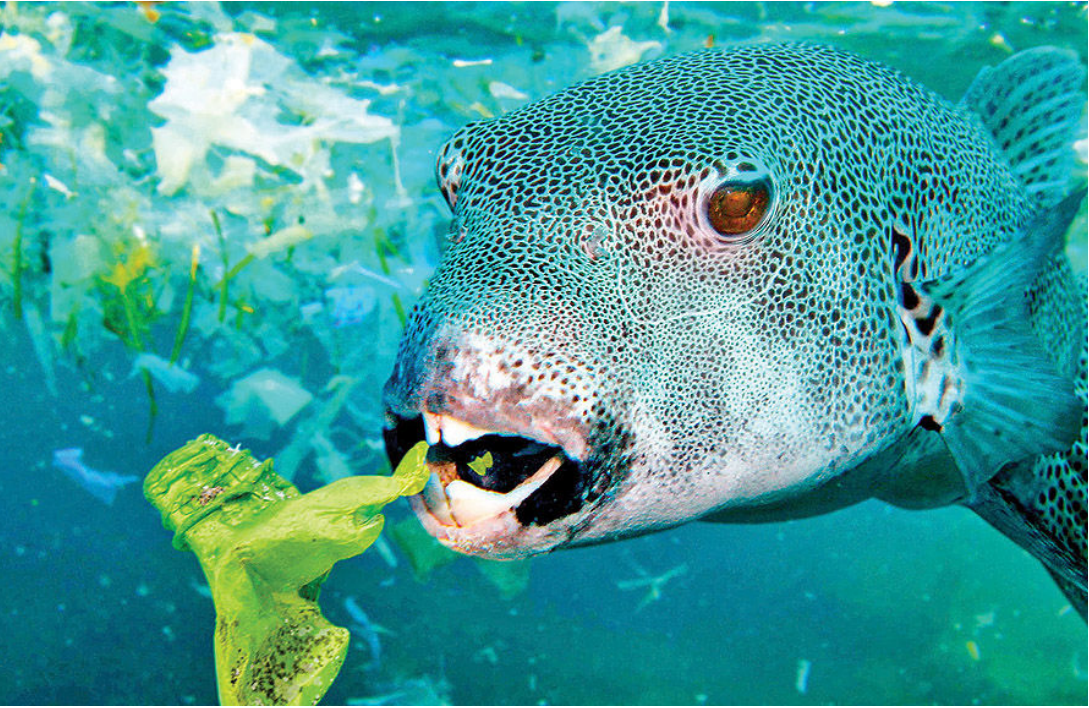
از طرف دیگر این موضوع نشان می‌دهد؛ تنها کاهش ارزش پول نیست که موجب تورم در بازار خودرو می‌شود بلکه این بازار از تورم ساختاری رنج می‌برد که حاصل هزینه‌های تولید، ناکارآمدی، سربار مالی و سیاستگذاری غلط است.

فراز و فرود بهای دلاری خودرو

همان‌طور که اشاره شد «دنیای‌اقتصاد» برای بررسی تغییرات قیمت خودروهای داخلی و مونتاژی بهای ۲۶خودروی مختلف را از ۳۱آبانه‌یور تا آخرین روز بازار در هفته گذشته زیر ذربین قرار داده‌است. برای بررسی جزئیات ابتدا سری به خودروهای داخلی بزنیم. از بین ۱۶محصول داخلی که تغییرات آنها را بررسی کردیم، قیمت دلاری ۱۱محصول افزایشی بوده و بهای دلاری ۵محصول نیز کاهش پیدا کرده‌است.

از این بین بیشترین رشد مربوط به ساینا دو‌گانه‌سوز است. این خودرو چهارشنبه هفته گذشته در بازار ۸۹۰میلیون تومان قیمت داشت که با درنظرگرفتن دلار ۱۳۴هزار و ۴۰۰تومانی بهای آن به ۶هزار و ۶۲۲ دلار می‌رسد، در آخرین روز از تابستان اما همین خودرو در بازار ۶۳۰میلیون تومان بود. بهای دلار در بازار آزاد در این روز نیز به ۱۰۵هزار تومان رسید. بر این اساس بهای دلاری این خودرو ۳۱شهرپوماه ۵هزار و ۹۰۴دلاری بود، بنابراین بهای این خودرو طی سه ماه گذشته ۷۱۸دلار معادل ۱۲۰۲درصد رشد را تجربه کرده‌است.

در رتبه بعدی رشد قیمت بین خودروهای داخلی پژوپارس ELX-XU۷P قرار گرفته‌است. این خودرو ۳۱ شهریور امسال یکمیلیاردتومان قیمت داشت که بهای آن را به ۹هزار و ۵۲۴



خفگی اقیانوس‌ها با هجوم ریزپلاستیک

بِیلا جلیلوند –اقیانوس‌ها در ذهن بسیاری از ما پهنه‌هایی بی‌انته‌ا، نیرومند و تغییرناپذیرند؛ انبار‌هایی عظیم از آب که گویی توان جذب هر نوع آلودگی و هر شوک زیست‌محیطی را دارند.

دعه‌هاست که علم نیز بر نقش حیاتی این پهنه‌های آبی در مهار گرمایش جهانی تأکید می‌کند. اقیانوس‌ها سالانه بخش بزرگی از دی‌اکسیدکربن اضافی ناشی از فعالیت‌های انسانی را جذب و با بلعیدن گرمای مازاد، زمین را از ورود به چرخه‌های خطرناک اقلیمی بازمی‌دارند. اما اکنون شواهد علمی تازه نشان می‌دهد این سپر طبیعی، آن قدرها هم مصون نیست.

تهدیدی آرام، پراکنده و اغلب نادیده‌گرفته‌شده، در حال تضعیف توان اقیانوس‌هاست؛ تهدیدی به نام ریزپلاستیک. پژوهشی جدید که در نشریه علمی **Journal of Hazardous Materials: Plastics** منتشر شده، از زاویه‌ای کمتر دیده‌شده به بحران محیط‌زیست نگاه می‌کند. این مطالعه هشدار می‌دهد که ریزپلاستیک‌ها نه‌تنها زیست‌بوم‌های دریایی را آلوده می‌کنند، بلکه به‌طور مستقیم توان اقیانوس‌ها برای جذب دی‌اکسیدکربن را کاهش می‌دهند؛ فرآیندی که ستون فقرات تنظیم دمای زمین به ششمار می‌رود. اگر اقیانوس‌ها را ریه‌های سیاره بدانیم، ریزپلاستیک‌ها همان ذراتی هستند که به‌آرامی این ریه‌ها را پر می‌کنند و نفس زمین را به شماره می‌اندازند. ریزپلاستیک‌ها، ذراتی کوچک‌تر از پنج میلی‌متر، امروز به یکی از فراگیرترین اشکال آلودگی در جهان تبدیل شده‌اند. آنها از تجزیه پلاستیک‌های بزرگ‌تر یا تولید مستقیم در محصولات صنعتی و مصرفی به‌وجود می‌آیند و تقریباً هیچ مرزی نمی‌شناسند. از اعماق اقیانوس‌ها گرفته تا رودخانه‌ها و منابع آب شیرین، از خاک و هوا تا یخ‌های قطبی و حتی در بدن انسان، رد پای این ذرات دیده می‌شود. این فراگیری، ریزپلاستیک‌ها را از یک معضل محلی به بحرانی جهانی تبدیل کرده است؛ بحرانی که پیامدهای آن تنها به آلودگی بصری یا آسیب به حیات وحش محدود نمی‌شود.

پیوند مغفول پلاستیک و اقلیم

به گفته پژوهشگران این مطالعه، با وجود تمرکز جهانی بر تغییرات اقلیمی، نقش ریزپلاستیک‌ها در این بحران تا حد زیادی نادیده گرفته شده است. دکتر احسان‌الله عبدالله، استاد دانشگاه شارجه و نویسنده مسوول این تحقیق، تأکید می‌کند: «تغییرات اقلیمی و آلودگی پلاستیکی دو چالش بزرگ محیط‌زیستی هستند که در نقاطی به‌شدت به هم گره خورده‌اند. ریزپلاستیک‌ها بر فرآیندهای زیستی و شیمیایی اقیانوس اثر می‌گذارند، چرخه کربن را مختل و حتی خودشان به انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک می‌کنند.» این مطالعه حاصل همکاری پژوهشگرانی از چین، هنگ‌کنگ،



قیچی «عرضه آمریکا» و «تقاضای چین» بر گردن نفت

این مقاله توضیح می‌دهد که چرا فشار نزولی بر بهای طلای‌سیاه تا این حد شدید و بی‌رحمانه است (عوامل فیزیکی). تحلیلگران تکنیکال در نمودارهای خود به‌دنبال سطوح حمایت ۶۰دلاری هستند و امیدوارند که قیمت از این سطح برگردد(Bounce). اما تحلیلگران فاندامنتال که داده‌های با رگیری نفتکش‌ها، راندمان چاه‌های شیل و تغییرات ناوگان حمل‌ونقل چین را رصد می‌کنند، می‌دانند که زمین زیر پای بازار نفت در حال تغییر است.

محاصره فاندامنتال: قیچی «عرضه آمریکا» و «تقاضای چین» بر گردن نفت
ما با یک نوسان چرخه‌ای (Cyclical) روبه‌رو نیستیم؛ ما با یک عدم‌تعادل ساختاری (Structural Imbalance) مواجهیم. دو نیروی عظیم، یکی در شرق(چین) و دیگری در غرب(آمریکا)، مانند لبه‌های یک قیچی عمل کرده و هرگونه امید به بازگشت نفت ۱۰۰ دلاری را قطع کرده‌اند.

پرده اول: سندروم چین؛ ازدهایی که دیگر آتش نمی‌خورد

بزرگ‌ترین اشتباه استراتژیک بسیاری از تحلیلگران غربی این است که ضعف تقاضای چین در سال۲۰۲۵ را صرفاً به «کندی رشد اقتصادی» نسبت می‌دهند و منتظرند یکن با یک بسته محرک مالی(Stimulus Package)، دوباره موتورها را روشن کند، اما داده‌های دقیق نشان می‌دهد، داستان تغییر کرده‌است. چین در حال تجربه یک دگردیسی است، نه یک بیماری موقت.

۱. مرگ دیزل و انقلاب LNG

برای دو دهه، رشد اقتصادی چین مترادف با مصرف دیزل بود: بولدوزرها، کامیون‌ها و ژنراتورها، اما در سال۲۰۲۵، ما شاهد پدیده‌ای هستیم که رسانه‌ها کمتر به آن پرداخته‌اند: جایگزینی گاز طبیعی مایع(LNG) در حمل‌ونقل سنگین. داده‌های صنعتی نشان می‌دهد؛ سهم کامیون‌های گازسوز(LNG) در فروش کامیون‌های سنگین جدید چین، از زیر ۱۰درصد در سال۲۰۲۲ به ۴۲درصد در سال۲۰۲۵ جهش کرده‌است. چرا؟ چون ارزان‌تر و پاک‌تر است. هر کامیونی که گازسوز می‌شود، مصرف‌کننده‌ای دائمی برای دیزل را از بازار حذف می‌کند. این تقاضا با هیچ بسته مستحرمحرکی بازنخواهد گشت. بحران در بخش املاک و مستغلات(که شروع پروژه‌های جدید در آن ۶۰درصد نسبت به ۲۰۱۹ کاهش‌یافته) نیز میخ آخ ر را تا تابوت تقاضای دیزل کوبیده است.

۲. وسایل نقلیه انرژی نو(NEV): فراتر از انتظار

اعلام ۲ شاخص افزایش قیمت خودرو از سوی سازمان حمایت

در شرایطی خودروسازان برای سومین بار در سال جاری درخواست افزایش قیمت داده‌اند که در واکنش به این تصمیم، سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بالا رفتن بهای کارخانه‌ای محصولات تولیدی را مشروط به افزایش دو شاخص یعنی نرخ ارز و تورم تولیدکننده دانسته‌است.

اواخر خردادماه هیات‌مدیره ایران خودرو افزایش ۲۲٫۳درصدی قیمت خودرو را مصوب کرد اما بلافاصله نهادهای نظارتی و سیاستگذار به این موضوع ورود کرده و آن را غیرقانونی اعلام کردند، با این‌وجود خودروساز طرح‌های فروش را با قیمت مصوب خود به مرحله اجرا درآورد. با ادامه تنش قیمتی، سرآخر شورای‌رایت در شهریورماه اقدام به صدور اصلاحیه‌ای بر دستورالعمل تنظیم‌بازار خودروهای سواری کرد که بر اساس آن روند قیمت‌گذاری خودرو به لحاظ شکلی دچار تغییراتی شد. بر اساس این اصلاحیه که در قالب مصوبهٔ ۷۸ابلاغ شد، قیمت‌های پیشنهادی خودروسازان باید ابتدا به سازمان حمایت ارائه شود و این سازمان طرف مدت یک ماه فرصت دارد تا با بررسی این قیمت‌ها، نرخ نهایی را در سامانهٔ ۱۲۲۴ اعلام کند. اگر سازمان حمایت هم در این بازه زمانی اقدامی انجام ندهد، همان قیمت‌های پیشنهادی خودروسازان به‌عنوان نرخ نهایی محسوب می‌شود.

در همین زمینه خودروساز در مهرماه بار دیگر درخواست افزایش قیمت محصولات تولیدی خود را مطرح کرد که با واکنش سازمان حمایت همراه شد. بررسی‌های «دنیایاقتصاد» نشان می‌دهد؛ اختلاف شکل‌گرفته بر سر افزایش میانگین ۱٫۶درصدی قیمت‌های اعلامی از سوی خودروساز و سازمان حمایت بود.

پاکستان و امارات متحده عربی است و تلاش دارد تصویری جامع از این پیوند پنهان ارائه دهد. نویسندگان، با بررسی ده‌ها پژوهش علمی، نشان می‌دهند که چگونه ذراتی به‌ظاهر بی‌اهمیت می‌توانند یکی از کلیدی‌ترین سازوکارهای طبیعی مهار گرمایش جهانی را تضعیف کنند.

ضربه به قلب چرخه کربن

اقیانوس‌ها بزرگ‌ترین مخزن طبیعی کربن روی زمین هستند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای آنها برای جذب دی‌اکسیدکربن، فرآیندی موسوم به «پمپ زیستی کربن» است. در این چرخه، فیتوپلانکتون‌ها (موجودات ریز گیاهی) دی‌اکسیدکربن را از جو جذب می‌کنند و با فتوسنتز، آن را به ماده آلی تبدیل می‌کنند. سپس، با مرگ یا خورده‌شدن توسط زئوپلانکتون‌ها، این کربن به لایه‌های عمیق‌تر اقیانوس منتقل می‌شود و برای مدت‌های طولانی از چرخه جو خارج می‌ماند. پژوهش جدید نشان می‌دهد که ریزپلاستیک‌ها این موتور طبیعی را مختل می‌کنند. حضور این ذرات در آب، توان فتوسنتز فیتوپلانکتون‌ها را کاهش و متابولیسم زئوپلانکتون‌ها را دچار اختلال می‌کند. در نتیجه، میزان کربنی که به اعماق اقیانوس منتقل می‌شود کاهش می‌یابد و دی‌اکسیدکربن بیشتری در جو باقی می‌ماند؛ وضعیتی که به تشدید گرمایش جهانی می‌انجامد. دکتر عبیدالله هشدار می‌دهد که این اختلال‌ها در کوتاه‌مدت شاید محسوس نباشند، اما در مقیاس جهانی و بلندمدت می‌توانند پیامدهایی جبران‌ناپذیر داشته باشند؛ از افزایش دمای آب اقیانوس‌ها و اسیدی‌شدن آنها گرفته تا کاهش تنوع زیستی و تهدید امنیت غذایی‌میلیون‌ها انسان.

زیست‌بومی روی پلاستیک

یکی دیگر از ابعاد نگران‌کننده این بحران، پدیده‌ای موسوم به «پلاستیسفر» است؛ جامعه‌ای از میکروارگانیسم‌ها که روی سطح ریزپلاستیک‌ها شکل می‌گیرد. این میکروب‌ها بخشی از چرخه‌های زیستی مهم مانند چرخه کربن و نیتروژن هستند، اما پژوهشگران هشدار می‌دهند که فعالیت آنها روی پلاستیک می‌تواند به تولید گازهای گلخانه‌ای منجر شود. به بیان دیگر، ریزپلاستیک‌ها تنها یک عامل فیزیکی مخرب نیستند؛ آنها بستری برای شکل‌گیری فرآیندهای زیستی جدیدی فراهم می‌کنند که پیامدهای اقلیمی دارند. افزون بر این، تجزیه تدریجی پلاستیک‌ها در محیط‌های آبی با آزادسازی گازهای گلخانه‌ای همراه است؛ اثری که تاکنون کمتر در محاسبات اقلیمی مورد توجه قرار گرفته است.

نعمتی که به نعمت بدل شد

پلاستیک‌ها به‌دلیل ارزانی، دوام و انعطاف‌پذیری، نقشی کلیدی در زندگی مدرن ایفا می‌کنند. از بسته‌بندی مواد غذایی و تجهیزات پزشکی گرفته تا زیرساخت‌های شهری، حمل‌ونقل، الکترونیک و صنعت، حضور پلاستیک همه‌جا احساس می‌شود. اما همین ویژگی‌ها باعث شده پلاستیک‌ها به یکی از ماندگارترین آلاینده‌های تاریخ بشر تبدیل شوند. بر اساس گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۲۵، تولید جهانی پلاستیک سالانه از ۴۰۰میلیون تن فراتر رفته است. نیمی از این حجم صرفاً برای تولید محصولات یکبار مصرف طراحی شده و کمتر از ۱۰ درصد آن بازیافت می‌شود. اگر روند کنونی ادامه یابد، تولید پلاستیک تا سال ۲۰۶۰ می‌تواند سه برابر شود. آمارهای جهانی نشان می‌دهد از بیش از ۸میلیارد تن پلاستیکی که تاکنون در جهان تولید شده، حدود ۸۰ درصد آن سرنوشتی خارج از چرخه بازیافت داشته و یا در طبیعت رها شده یا در محل‌های دفن زباله انباشته شده است.

زندگ خطری برای سیاستگذاران

نویسندگان این مطالعه تأکید می‌کنند که نمی‌توان آلودگی پلاستیک و تغییرات اقلیمی را جدا از هم دید. به باور آن‌ها، هر سیاست اقلیمی که نقش ریزپلاستیک‌ها را نادیده بگیرد، ناقص خواهد بود. آنها از دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی می‌خواهند چارچوب‌های حکمرانی یکپارچه‌ای تدوین کنند که هم‌زمان به کاهش تولید پلاستیک، بهبود مدیریت پسماند و مهار گرمایش جهانی بپردازد. پژوهشگران همچنین خواستار بازنگری در اهداف توسعه پایدار سازمان ملل هستند. به گفته آن‌ها، پلاستیک‌ها تنها با یک شاخص کلی در این اهداف دیده شده‌اند، درحالی‌که خطرات ریزپلاستیک‌ها بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تر است.

نبردی سرنوشت‌ساز

پیام این پژوهش روشن و در عین حال نگران‌کننده است. ریزپلاستیک‌ها تهدیدی پسرر و صدا نیستند؛ نه انفجاری دارند و نه فاجعه‌ای ناگهانی ایجاد می‌کنند. آنها آرام، تدریجی و بی‌وقفه عمل می‌کنند و درست به همین دلیل، خطرناک‌ترند. اگر اقیانوس‌ها آخرین خط دفاعی زمین در برابر گرمایش جهانی باشند، ریزپلاستیک‌ها در حال فرسایش این خط دفاعی از درون‌اند.

دکتر عبیدالله می‌گوید: «گام بعدی ما، اندازه‌گیری دقیق اثر ریزپلاستیک‌ها بر اقلیم و ارائه راه‌حل‌های عملی است. این فقط یک مساله محیط‌زیستی نیست؛ چالشی جهانی برای آینده توسعه، امنیت غذایی و زیست‌پذیری زمین است.» شاید بحران اقلیمی برای بسیاری با تصویر دودکش‌ها، سوخت‌های فسیلی و جنگل‌های در حال سوختن معنا شود. اما این پژوهش یادآوری می‌کند که تهدید می‌تواند بسیار کوچک‌تر، نامرئی‌تر و در عین حال عمیق‌تر باشد. آینده زمین، نه تنها به کاهش انتشار کربن، بلکه به مهار آلودگی‌هایی گره خورده که نفس اقیانوس‌ها را به شماره می‌اندازد.

معاون برنامه‌ریزی وزیر نفت با اشاره به اینکه اکنون نرخ گاز خوراک و سوخت برای واحدهای پتروشیمی نزدیک به ۳۰درصد قیمت صادراتی است، گفت: این در حالی است که بر اساس تأکید قانونگذار، گاز مصرفی برای صنایع داخلی باید به ۷۵درصد قیمت صادراتی می‌رسید. به گزارش «شانا» احمد زراعتکار تصریح کرد: اکنون گاز صادراتی ایران با قیمتی بین ۲۹ تا ۳۱سنت صادر می‌شود، درحالی‌که متوسط قیمت خوراک و سوخت واحدهای پتروشیمی حدود ۱۰سنت است.زراعتکار با بیان اینکه تغییر قیمت برخی محصولات در بازارهای جهانی یکی از دلایل پنهان اعتراض واحدهای پتروشیمی به نرخ خوراک است، اظهار کرد: البته این کاهش شدید قیمت تنها محدود به متانول بوده و شامل سایر محصولات نشده‌است. وی با اشاره به اینکه واحدهای پتروشیمی تولیدکننده اوره با محصولات پلیمری بین ۲۴ تا ۵۰درصد حاشیه سود دارند، حتی متانول‌های قدیمی که سرمایه‌گذاری‌هایشان را به‌طور کامل مستهلک کرده‌اند، همچنان فعالیت می‌کنند و سودآوری مناسبی دارند، ادامه‌داد: اتفاقی که رخ‌داده قیمت‌های بین‌المللی متانول کاهش‌یافته و واحدهای متانولی جدید گرفتار شدند و دوستان انتظار دارند به همین خاطر کل فرمول قیمت گاز خوراک را تغییر دهند، این در حالی است که در نتیجه این اقدام ممکن است به عموم مردم اجحاف شود که مالک منابع گاز طبیعی هستند.

نقد خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

نقد گاز خوراک و سوخت

انرژی

روزنامهٔ «مراققتصاد» **www.marzeghtesad.ir** **شماره ۸۴۰** **یکشنبه ۲۱ دی ماه ۱۴۰۴** **۱۴۰۴** **شماره ۸۴۰**

www.marzeghtesad.ir

▼ قرنطینه نفتی ونزوئلا

بازار جهانی نفت در پایان هفته گذشته بار دیگر نشان‌داد که همچنان بیش از هر عامل اقتصادی، به تحولات ژئوپلیتیک واکنش نشان می‌دهد.

به گزارش ترانمای tradingeconomics.com و تا لحظه تنظیم این خبر، بهای نفت‌برنت روز جمعه ۲۶ دسامبر با رسیدن به حدود ۶۲٫۴دلار در هر بشکه، در مسیر ثبت یک رشد هفتگی قرار داشت؛ افزایشی که عمدتاً تحت‌تاثیر تشدید ریسک‌های سیاسی و امنیتی در چند نقطه حساس جهان شکل گرفت، با این‌حال در پس پرده این رشد کوتاهمدت، نگرانی عمیق‌تری درباره مازاد عرضه و چشم‌انداز تضعیف تقاضا در سال آینده دیده می‌شود؛ موضوعی که برای کشورهای مانند ایران نیز پیامدهای مستقیمی دارد. مهم‌ترین محرک قیمت‌ها در روزهای اخیر، تشدید فشار واشنگتن بر صنعت نفت ونزوئلا بوده‌است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با تقویت محاصره دریایی این کشور و توقیف نفتکش‌ها، عملاً از راهبردی موسوم به «قرنطینه نفتی» پرده برداشت؛ سیاستی که کاخ‌سفید اعلام کرده دست‌کم برای دو ماه آینده ادامه خواهدداشت. هرچند سهم ونزوئلا از عرضه جهانی نفت چندان بزرگ نیست، اما نفت همچنان شریان حیاتی درآمد دولت کاراکاس محسوب می‌شود و هرگونه اختلال در صادرات آن، به‌سرعت در انتظارات بازار بازتاب می‌یابد. این رویکرد نشان می‌دهد واشنگتن فعلاً ترجیح می‌دهد از ابزارهای اقتصادی به‌جای مداخله نظامی مستقیم برای اعمال فشار استفاده کند؛ الگویی که برای ایران نیز کاملاً آشناست.

در جبهه اروپا، جنگ روسیه و اوکراین همچنان به زیرساخت‌های انرژی گره‌خورده است. حمله روز پنج‌شنبه اوکراین به پالایشگاه نفت نوشاتلینسک در روسیه که یکی از تأمین‌کنندگان اصلی گاز ژوئیل و سوخت جت برای نیروهای روسی محسوب می‌شود، با دیگر ریسک اختلال در زنجیره تأمین انرژی را برجسته کرد؛ این در حالی است که هم‌زمان گزارش‌هایی از کاهش صادرات نفت قزاقستان از مسیر خط لوله دریای خزر منتشر شده؛ مسیری که پس از حمله پهپادی اوکراین به پایانه اصلی آن، با فتنی حدود یکسوم در ماه دسامبر مواجه خواهدشد. این تحولات، حساسیت بازار، به امنیت مسیرهای انتقال نفت را افزایش داده‌است.

حمله به مواضع دمشق

عامل دیگری که به التهاب فضای بازار دامن زد، اعلام حمله هوایی آمریکا به مواضع دمشق در ایالت سوکوتوی نجریره بود. هرچند میدان‌های نفتی نجریره عمدتاً در جنوب این کشور قرار دارند، اما انجام عملیات نظامی در یک عضو اوپک، به‌طور طبیعی بر ریسک‌های ژئوپلیتیک اثر می‌گذارد. هم‌زمانی فشار بر ونزوئلا و تحرکات نظامی در نجریره، باعث شد قیمت نفت برنت و وست‌تگزاس اینترمیدیت در معاملات جمعه اندکی افزایش یابند. با وجود این، بازار نفت همچنان با یک تناقض اساسی روبه‌روست. از یکسو، ریسک‌های ژئوپلیتیک قیمت‌ها را بالا نگه می‌دارد و از سوی دیگر، نگرانی از مازاد عرضه و کندی رشد اقتصادی آمریکا و جهان، مانع جهش جدی قیمت‌ها می‌شود. برآوردهای رویترز نشان می‌دهد قیمت شاخص برنت و وست‌تگزاس اینترمیدیت تا پایان سال جاری میلادی به‌ترتیب حدود ۱۶ و ۱۸درصد نسبت به ابتدای همین سال‌میلادی(۲۰۲۵) کاهش نشان خواهد داد؛ کاهشی که شدیدتر این سالانه قیمت نفت از زمان همه‌گیری کرونا محسوب می‌شود. چنین چشم‌اندازی برای کشورهایمانند ایران اهمیت زیادی دارد، زیرا هم‌زمان با محدودیت‌های صادراتی و فشار تحریم‌ها، در بازاری که عرضه نفت از تقاضا بیشتر است، فروش هر بشکه نفت بیش از گذشته به شرایط سیاسی، زمان‌بندی و دیپلماسی انرژی وابسته می‌شود.

■.....■

♥ شمارش معکوس آغاز پروژه گاز چین-۳

روسیه اعلام کرد که برای تأمین گاز چین و پاسخ‌گویی به نیازهای داخلی در نظر تولید گاز در پروژه ساخالین-۳ از سال ۲۰۲۸ آغاز خواهد شد. به گزارش شانا به نقل از رویترز، ولری لیبارنکو، فرماندار ساخالین گفت: ما چشم‌انداز صنعت گاز را به اجرای پروژه ساخالین-۳ مرتبط می‌دانیم، راه‌اندازی آن برای سال ۲۰۲۸ برنامه‌ریزی شده است، انتظار می‌رود این گاز به چین صادر و برای نیازهای خاور دور استفاده شود. پروژه ساخالین-۳ شامل میدان «پوزنو – کیرینسکویه» در بلوک «کیرینسکی» واقع در دریای «ووخوتسک» است؛ میدانی که آمریکا در سال ۲۰۱۵ به‌دلیل نقش روسیه در بحران اوکراین، آن را تحت تحریم قرار داد.

این تحریم‌ها مربوط به فعالیت‌های اکتشاف و تولید نفت و گاز در آب‌های عمیق روسیه است. بر اساس داده‌های شرکت گاز پروزم، ذخایر میدان «پوزنو – کیرینسکویه» شامل ۷۱۱میلیارد و ۵۰۰میلیون مترمکعب گاز طبیعی، ۱۱۱میلیون و ۵۰۰ هزار تن میعانات گازی و ۴میلیون و ۱۰۰ هزار تن نفت خام است.

فرماندار ساخالین همچنین اعلام کرد که شرکت گازپروم و مقام‌های منطقه‌ای در تدوین طرحی برای ساخت پالایشگاهی در جنوب ساخالین هستند؛ پالایشگاهی که قرار است از میعانات گازی، سوخت جت، گازژوئیل و نفتا تولید کند. روسیه در پی بحران روابط با غرب بر سر جنگ اوکراین، مسیر صادرات انرژی خود را از اروپا به آسیا تغییر داده است، یکی از خطوط لوله گاز از ساخالین به چین که برای انتقال گاز از مسیر خاور دور طراحی شده، قرار است از سال ۲۰۲۷ فعالیت خود را آغاز کند.

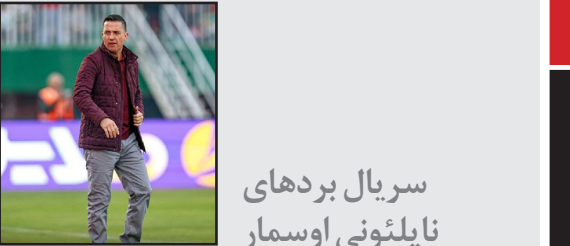
بدون نقل و انتقالات، بدون میزبانی



۹ عرفان حمیدی - ساینپتو در نیم‌فصل دوم لیگ بر تر مأموریتی سخت و دشوار پیش رو خواهد داشت.

ساینپتو در نیم‌فصل دوم لیگ برتر مأموریتی سخت و دشوار پیش رو خواهد داشت. او بدون اینکه در نقل و انتقالات نیم‌فصل فرصت جابه‌جایی بازیکنان خود را داشته باشد وارد نیم‌فصل دوم می‌شود. مصائب مرد پرتغالی زمانی پررنگ‌تر می‌شود که می‌بینیم او احتمالاً برخی بازیکنان دانه درشت خود را که پیش از شروع فصل حساب ویژه‌ای روی‌شان بازی می‌کرد(رضاییان و آقاسی) از کف خواهد داد و باید با استفاده از بازیکنان جوان‌تر و شاید برخوردار از بازیکنان رده سنی امید جای خالی این بازیکنان را پر کند. شاید به خوبی خود جدایی این دو بازیکن در ترکیب اصلی استقلال خللی ایجاد نکند چرا که هر دو در ماه‌های اخیر جایگاه ثابت خود در خط میانی را از کف داده بودند اما پراوض است که یک تیم برای دستیابی به موفقیت نیاز به یک نیمکت قوی دارد که رفتن این بازیکنان، استقلال را عاری از این مزیت و ویژگی کرده و تیم را وارد مرحله‌ای از بحران پنهان خواهد کرد. به هرحال هم آقاسی و هم رضاییان در صورت جدایی، استقلال را در بخش نیمکت با کاستی مواجه خواهند کرد و این موضوع برای ساینپتو مشکل‌ساز خواهد شد.

مسئله دیگری که برای سرمربی استقلال چالش ایجاد خواهد کرد، این است که در آغاز نیم‌فصل دوم باید امتیازات عقب افتاده با صدرنشین را نیز جبران کند، آن هم در شرایطی که به احتمال زیاد هفته‌های آغازین نیم‌فصل دوم بازی‌ها خارج از تهران برگزار خواهد شد چرا که ورزشگاه شهدای شهرقدس قابلیت میزبانی از استقلال را



سریال بردهای ناپلئونی اوسمار

وداع با پیکاسوی فوتبال



فارست، او را «پیکاسوی فوتبال» می‌نامید؛ بازیکنی که با تصمیم‌های ساده، پاس‌های دقیق و ضربات ناگهانی‌اش بازی را تغییر می‌داد. بسیاری از هم‌دوره‌های‌ها باور داشتند، او در اوج خود بهترین وینگر اروپا بود؛ بازیکنی که همان‌قدر که گل می‌زد، برای دیگران موقعیت می‌ساخت. اوج شهرت رابرتسون به سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ بازمی‌گردد؛ وقتی فارست به‌طرزی شگفت‌انگیز، دو بار پیاپی جام اروپا را فتح کرد. در فینال ۱۹۷۹ برابر مالمو، این رابرتسون بود که با حرکت و سانتری دقیق، زمینه‌ساز گل قهرمانی شد. یک سال بعد در مادرید، او خود گل زده شوتی که با روی پای بیرون به گوشه دروازه رفت و فارست را دوباره روی سکوی نخست اروپا قرار داد. همان شب بود که خیلی‌ها پذیرفتند این بازیکن آرام، در مسما در جمع بزرگان تاریخ جای گرفته است. با این حال، شهرت جهانی هرگز به اندازه شایستگی‌هایش با او همراه نشد. نه در فهرست توپ طلا دیده شد و نه در مقایسه با ستاره‌های هم‌نسلش نامی زیاد تکرار شد. شاید چون سبک زندگی‌اش معمولی بود، شاید به‌دلیل ظاهر بی‌ادعا یا سیگار همیشه روشن‌ش. اما در زمین، چیزی کم نداشت؛ تکنیک، هوش، و شجاعت. جان مک‌گاورن، کاپیتان آن تیم تاریخی، بعدها گفت: «اگر بخواهم مقایسه کنم، باید بگویم رابرتسون مثل رایان گیگز بود، اما با کیفیت برابر و قدرتمند در هر دو پا.»

رابرتسون پس از دوران بازی، مدتی به مربیگری روی آورد و در تیم‌هایی چون نورویج سیتی و کنار مارتین اونیل در تیم‌های مختلف نقش دستیار را ایفا کرد. او به‌واسطه شخصیت گرم، حس شوخ‌طبعی و حافظه شگفت‌انگیز از خاطرات فوتبال، غالباً مرکز توجه جمع‌های دوستانه بود. با این همه، زندگی شخصی‌اش خالی از رنج نبود.

او دخترش جسیکا را که با ناتوانی شدید جسمی به دنیا آمده بود، در سیزده سالگی از دست داد و سال‌ها بعد نیز با بیماری پارکینسون دست‌وپنجه نرم کرده، بیماری‌ای که در نهایت او را از پا انداخت. آنچه رابرتسون را ماندگار می‌کند، فقط آمار و افتخارات نیست؛ بلکه نقشی است که در هویت ناتیینگهام‌فارس‌ت ایفا کرد. او برای هواداران، نماد تیمی بود که بدون ستاره‌های پرزرق و برق، با انضباط تاکتیکی و خلاقیت فردی چند بازیکن بویزه خودش، حریفان بزرگ اروپا را کنار زد. بسیاری از هواداران فارست معتقدند بهترین بازیکن تاریخ ۱۶۰ساله باشگاه همین «جی‌اَر» بوده و هنوز هم ایده نامگذاری یکی از سکوهای ورزشگاه سیتی‌گرانده به نام او، خواستهای جدی در بین طرفداران است. امروز، با مرور تصاویر و روایت‌ها، روشن است که میراث رابرتسون صرفاً به دو جام اروپایی محدود نمی‌شود. او نمونه‌ای از بازیکنی بود که بدون مهابه، با بازی ساده و مؤثر، تاریخ ساخت؛ بازیکنی که نشان داد نابغه بودن همیشه به فریاد و نمایش نیاز ندارد. جادوگری که هر بار توپ به پایش می‌رسید، سکوها نفس را در سینه حبس می‌کردند.

ندارد و آبی‌ها باید در ورزشگاهی خارج از تهران مقابل رقیبا قرار بگیرند که این موضوع برای تیمی همچون استقلال که روی تماشاگرانش همیشه حساب می‌کند، بسیار گران تمام خواهد شد. هرچند استقلال همه جای ایران تماشاگر دارد اما به هرحال بازی در تهران مزیت‌هایی دارد که هرگز نمی‌توان از کنار آن به سادگی عبور کرد و بالقوه این مسأله برای استقلال ایجاد دردسر خواهد کرد. البته این مسأله برای پرسپولیس هم ایجاد دردسر خواهد کرد اما به هرحال سرخ‌ها در نیم‌فصل اقداماتی در راستای جذب بازیکن انجام دادند تا تیم خود را تقویت کنند و از این منظر حتماً دست بالاتری نسبت به استقلال دارند. پرسپولیس با تقویت تیم خود در ابعاد فنی با قوای تاکتیکی مطلوب‌تری گام به میدان خواهد گذاشت و این موضوع می‌تواند تغییراتی در دایره مدعیان لیگ برتر ایجاد کند. در حال حاضر سپاهان نسبت به پرسپولیس و استقلال وضعیت ثبات‌تری دارد؛ هرچند که این تیم در بازی بسیار بزرگ با استقلال باخت اما زردپوشان از حق میزبانی برخوردارند و مشخص نیست که استقلال و پرسپولیس در هفته‌های باقی‌مانده لیگ برتر چه وضعیتی را خواهند داشت و آیا قادر به استفاده از ورزشگاه شهدای شهرقدس خواهند بود یا خیر. مضاف بر آن استقلال از نقل و انتقالات هم محروم شده که این موضوع داغ ساینپتو را سنگین‌تر خواهد کرد و باید دید مدیران آبی‌ها برای حل این مشکلات چه برنامه‌ای تدوین خواهند کرد.

رد در خواست بخشش استقلال در استیناف جریمه ۲ میلیارد تومانی ساینپتو تأیید شد
به تازگی کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال ریکاردو ساینپتو سرمربی استقلال را به دلیل مصاحبه‌ای که پیش از بازی با فولاد خوزستان انجام داد و مطالبی را جدا از موضوعات فنی مسابقات بر زبان آورد، با جریمه‌ای سنگین روبرو کرد. بر اساس حکم صادره از سوی کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال ساینپتو به دلیل نقض دستورالعمل‌ها و به دلیل بیان مطالب غیرفنی در نشست خبری، ۲ میلیارد تومان جریمه شده بود. این مسأله سبب شد تا ساینپتو و باشگاه استقلال با بردن پرونده به استیناف رسماً به حکم صادره‌اعراض کنند که در نهایت حکم استیناف نیز صادر شده است. استیناف در این خصوص اعلام کرده که با بررسی محتویات پرونده مشخص شده ایراد و اعتراض مربوطه طوری نبوده که خدش‌های بر دادنامه ارائه شده وارد کند و به همین خاطر حکم قبلی عیناً تأیید و صادر شده است. به همین ترتیب ساینپتو باید هرچه سریع‌تر مبلغ ۲ میلیارد تومان جریمه خود را به فدراسیون پرداخت کند و رأی صادرشده هم قطعی اعلام شده است. البته باشگاه استقلال نسبت به جریمه ۱۲۰ میلیون تومانی خود که به دلیل توهین تماشاگران به تیم مقابل و مقام رسمی مسابقه در دیدار با ملوان و همچنین تأخیر سه دقیقه‌ای در ورود اعضای تیم آبی‌پوش به زمین بود، اعتراض کرد که این موضوع نیز در استیناف رد شده و این مبلغ هم باید پرداخت شود. به این ترتیب باشگاه استقلال در هر دو پرونده شکست خورد و باید تمام مبالغ را پرداخت کند.

یحیی واسطه فولادی شدن رضاییان

در حالی که باشگاه استقلال با جدایی بازیکنان مخالفت و به آنها اعلام کرده قصد ندارد هیچ بازیکنی را به دلیل بسته بودن پنجره نقل و انتقالات از دست بدهد اما بازیکنانی که در وضعیت میهم با باشگاه قرار دارند در تلاشند مدیران را راضی به جدایی کنند. یکی از این بازیکنان رامین رضاییان است که به رغم انتشار برخی اخبار لال بر اینکه همچنان در استقلال به فعالیت ادامه خواهد داد، اما بنا دارد به هر طریق ممکن استقلال را به مقصد تیمی که خواهانش است ترک کند.

دلیل رضاییان برای ترک استقلال از دست ندادن فرصت حضور در جام جهانی است. رضاییان می‌داند که اگر در استقلال نیمکت‌نشین صالح کردانی باشد، عملاً شانس برای حضور در جام جهانی نخواهد داشت و سرمربی تیم ملی قطعاً بازیکنانی را با خود راهی جام جهانی خواهد کرد که از نظر فنی در وضعیت مناسبی باشند و پیوسته برای تیم خود به میدان بروند.

رضاییان گرچه فصل را امیدوارانه آغاز کرد و توانست بازی‌های قابل توجهی در هفته‌های آغازین انجام دهد، اما به مرور زمان جایگاه خود را در استقلال از دست داد و تبدیل به بازیکن نیمکت‌نشین استقلال شد و حالا نیز معمولاً به عنوان بازیکن تعویضی برای استقلال به میدان می‌رود.

این شرایط قطعاً رضاییان را از حضور در جام جهانی محروم خواهد کرد، اما او قصد دارد شرایط را تغییر داده و لاقال در تیمی بازی کند که در پازل فکری سرمربی قرار داشته باشد.

فولاد یکی از تیم‌هایی است که رضاییان قصد دارد به آن تیم نقل مکان کند، اما باشگاه استقلال بر خلاف ساینپتو که به جدایی رضاییان بی‌میل نیست، تمایلی به این اتفاق ندارد و دوست ندارد این بازیکن را از کف بدهد.

اوسمار فرمول برد را پیدا کرده و دیگر ره‌ها نمی‌کند اما خوش شانس هم هست چرا که تیم‌های مقابل با آنقدر جسور نیستند که تیمش را تنبیه کنند یا آنقدر توانایی ندارند که شرایط را به سود خودشان تغییر دهند.
پرسپولیس دوباره یک گل در دقیقه نخست زد و بعد از آن رو به بازی کنترلی آورد. اتفاقی که در دیدار مقابل حریفانی مثل شمس‌آذر، پیکان و آلومینیوم هم تکرار شده بود تا مشخص شود اوسمار و تیمش فقط و فقط برد و سه امتیاز می‌خواهند و برایشان هیچ اهمیتی ندارد اگر انتقاد بشنوند یا فوتبالی که ارائه می‌دهند راضی‌کننده نباشد.
پرسپولیس برنده می‌شود و شاید همین برای آنهایی که فصل قبل همه چیز را از دست رفته می‌دیدند کافی باشد اما همه بردها ناپلئونی و مویی به دست می‌آید و هر لحظه ممکن است این پیروزی‌های خفیف از دست رفته و شرایط به ضرر تیم تغییر کند.
این پنجمین برد اوسمار در لیگ برتر بود و او با فرمولی که به دست آورده ۱۶ امتیاز از ۶ بازی به دست آورده که فوق‌العاده است. تیم تحت اختیار او ۲۸ امتیاز شد آن هم در شرایطی که پرسپولیس تا قبل از حضور او روی نیمکت از ۹ بازی کلاً ۱۲ امتیاز به دست آورده بود. این یعنی پیشرفت و حالا پرسپولیس در قامت یک مدعی قهرمانی نیم فصل اول را تمام کرده و شاید اگر خوش شانس باشد به قهرمانی نیم فصل هم برسد اما پیشرفتی که در حوزه فنی قرار بود به وجود بیاید اتفاق نیفتاده است.

هنر صبوری روی نیمکت



یکی از مشکلات بزرگی که بازیکنان مطرح فوتبال ایران در آغاز دوران مربیگری خود با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، مسأله بی‌توجهی به اهمیت رشد پلعه‌پله از دنیای مربیگری و کسب تجربه در تیم‌ها و شرایط مختلف است. انگار که اکثر بازیکنان قدیمی فوتبال ایران که اعتباری بین رسانه‌ها و هواداران از طریق درخشش در دوران بازی خود کسب کرده‌اند، به‌دنبال این هستند تا خیلی سریع، در تیم‌های بزرگ و محبوب خودمربیگری را تجربه‌کنندواعتمادی به کسب تجربه در تیم‌های کوچک‌تر و یادگیری ندارند.

حتی در دهه‌های گذشته و پیش از ایجاد قوانین سختگیرانه فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا، برخی

مربیان بدون شرکت در کلاس‌های مربیگری و یادگیری اصولی مبانی مربیگری فوتبال، در تیم‌های سابق خود مشغول به کار می‌شدند که این موضوع با الزامی شدن کسب مدرک مربیگری درجه اول آسیا، به تدریج از بین رفت.

البته که در دهه‌های گذشته، مربیانی هم بوده‌اند که با جاستار حضور در باشگاه‌های کوچک‌تر و کسب تجربه در شهرهای مختلف، پله به پله مسیر حضور در باشگاه‌های بزرگ را طی کرده‌اند.

از جمله یحیی گل‌محمدی و امیر قلعه‌نویی که هر دو، موفق‌ترین مربیان ایرانی در کسب قهرمانی لیگ برتر محسوب می‌شوند. گل‌محمدی پیش از حضور در پرسپولیس در تیم‌هایی چون صیاب‌تری، سنگنا هن بافق، نساجی مازندران، ذوب‌آهن، نفت، تراکتور و پدیده مربیگری کرده بود و از سوی دیگر، قلعه‌نویی نیز سابقه حضور در باشگاه‌هایی چون استقلال اهواز، فجرسپاسی، برق تهران، ذوب‌آهن و مس کرمان را دارد. حالا و در روزهایی که اکثر ستارگان سابق فوتبال ایران به‌دنبال ایران می‌روند، همین‌ها برای حضور در تیمی کسب‌کننده بزرگ هستند، پُزمان منتظری به‌عنوان یکی از خوش‌فکرترین بازیکنان سابق باشگاه استقلال و تیم ملی، تبدیل به یک سرمربی جوان و خوش‌آتیه در فوتبال قطر شده است.

منتظری که یکی از معدود مربیان لژیونر فوتبال ایران در کنار علیرضا منصوریان در الطلیحه عراق و فرهاد مجیدی در ابوظحان امارات محسوب می‌شود، پس از پایان دوران بازی خود و خداحافظی آرام و بی‌روصدا در الشحانیه قطر در همین کشور کلاس‌های مربیگری را گذراند و پس از دریافت مدرک پرولیسنس و هدایت تیم امید باشگاه الشحانیه که تیم دوم باشگاه محسوب می‌شد، به‌عنوان دستیار سانتیاگو دنیا سرمربی اسپانیایی این باشگاه مشغول به کار شد. با اخراج دنیا در میانه فصل، هدایت الشحانیه به پُزمان منتظری سپرده شد و بازیکن آرام و صبور تیم ملی در جام‌های جهانی ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸، از فرصتی که به‌عنوان سرمربی موقت تعینیش شده بود نهایت استفاده را برد. تیم او در هفته یازدهم لیگ ستارگان قطر، با پیروزی ۳برصفر مقابل العرافه مدعی، یکی از شگفتی‌های بزرگ این فصل لیگ ستارگان قطر را رقم زد و با پیروزی مقابل قهرمان نیم‌فصل، معادلات صدر جدول را تغییر داد. همین‌ها عملکرد درخشان از تیمی منتظری باعث شد تا او در کنار چند چهره‌های مطرحی چون روبرتو مانچینی از السد و پاتریس کارترون از اصلال، نامزد مربی برتر هفته یازدهم لیگ ستارگان قطر از سوی شبکه الکل‌اس این کشور شود. الشحانیه قهرنشین که در ۷بازی ابتدایی خود تنها موفق به کسب یک پیروزی شده بود، پس از پیروزی مقابل الدحیل در جام ستارگان قطر، در هفته دوازدهم لیگ ستارگان این کشور مقابل این تیم مدعی به تساوی بدون گل دست پیدا کرد تا روند فوق‌العاده تیم منتظری مقابل مدعیان همیشگی فوتبال قطر ادامه پیدا کند. با دو برد و یک تساوی در سه مسابقه، منتظری درخشان در قطر داشته و حالا تیم او که ۸ امتیاز به همراه السیلیه در قعر جدول لیگ ستارگان قرار داد.

ستاره‌هایی برای جذابیت آینده فوتبال

شباهتها با یامال ووسوسه‌کننده هستند؛ بازی در جناح راست، تکنیک خیره‌کننده و جسترای بی‌پروا، دومن بدون ترس سه بازیکن را دربیل می‌کند. گوستاو اولیویرا، مربی‌رای که در تیم زیر ۱۴ سال با او کار کرده، دومن را با کاکا مقایسه می‌کند.در این بین افرق در ارزیابی و بالا بردن بیش از حد انتظارها همیشه خطرناک است اما دومن واقعاً ارزش این هیجان را دارد. تنها مانع فعلی او وضعیت جسمانی‌اش است؛ بدنش هنوز به بلوغ کامل نرسیده. حتی یامال نیز پس از نخستین بازی‌اش برای بارسلونا یک سال کامل را صرف افزایش حجم بدنی کرد.

لوکا ووشکوویچ – مدافع هامبورگ

حرکت درخشان هامبورگ در تابستان، جذب لوکا ووشکوویچ و پیوستن او به برادر بزرگترش بود در حالی که ناتنهام نیز از این انتقال برای آزمون استعداد جوان خود سود می‌برد. در شرایطی که برادر بزرگترش به دلیل محرومیت دوپیچک دور از میادین بود، لوکا پیراهن محبوب شماره ۴۴ را به تن کرده و فصل را در آرام‌ترین محیط ممکن آغاز کرد. این یک سطح جدید برای او بود. پیش از این، دوره‌های قرضی در هایدوک، راکو و وستروا پشت سر گذاشته بود. لوکا نخستین فصل خود را در یک لیگ قدرتمند با اعتمادبه‌نفس بالا آغاز کرد و در سه سپتامبر به یک رکورد قابل توجه رسید: ۱۸ دوتل

ورزش

روزنامهٔ «مذاقتصاد»

پیشینه ۲۱ دی ۱۴۰۵ • شماره ۸۴۰

www.marzeghtesad.ir

تغییر احتمالی رقبای باکیج

در نقل و انتقالات تابستانی و بعد از حضور وحید هاشمیان در رأس کادر فنی پرسپولیس کلا سه بازیکن جدید به این تیم پیوستند که یکی از آنها مارکو باکیج اهل مونتو نگرو بود. باکیج برخلاف سرژ اوره به که نه شرایط جسمانی خوبی داشت و نه اینکه به خاطر بیماری هبایت مجوز بازی نگرفت، از روز نخست آماده بود و از همان مسابقه اول لیگ به ترکیب اصلی رسید و فیکس ماند.

باکیج ساده بازی می‌کرد و با اینکه بازیکن تخصصی پست شش نبود اما کار وحید هاشمیان و پرسپولیس را راه انداخت و در هفته‌های پرنوسان تیم هاشمیان و شرایطی که پرسپولیس از لحاظ فنی تیم قدرتمندی نشان نمی‌داد جزو معدود بازیکنان موفق ترکیب سرخ‌ها بود.

باکیج بعد از جدایی هاشمیان و در تنها مسابقه‌ای که کریم باقری هدایت سرخ‌ها را برعهده داشت با گلزنی از روی ضربه ایستگاهی در یکی از مهم‌ترین بازی‌های فصل و در واپسین لحظات مسابقه وجه دیگری از توانمندی‌های خود را به رخ کشید و به یکباره محبوبیت زیادی نزد هواداران تیم پیدا کرد اما انگار بعد از این گل استثنایی به نوعی چشم خورد چرا که خیلی زود از ترکیب بیرون رفت.

در اولین مسابقه تحت هدایت اوسمار و مقابل استقلال خوزستان، این بازیکن در همان نیمه نخست مصدوم شد و از زمین بیرون رفت تا اوسمار در بدو ورود به تهران و بازگشت به تیم سابقش یکی از نفرات اصلی ترکیبش را از دست بدهد. با این وجود نفرات جایگزین مثل میلاد سرلک و محمد خاندانه لو جواب دادند و با حضور آنها پرسپولیس در شش مسابقه ۱۶ امتیاز گرفت و تنها در بازی جام حذفی در ضربات پنالتی شکست خورد.

باکیج در دیدار جام حذفی مقابل تراکتور از مصدومیت برگشت و دقایقی بازی کرد و البته در ضربات پنالتی ضربه خود را که شاید اگر گل می‌شد سرنوشت بازی را تغییر می‌داد، از دست داد اما اتفاق بدتر آنجا بود که مصدومیت او به خاطر تشخیص اشتباه تیم پزشکی پرسپولیس با بازگشت زودهنگام تشدید شد و او برای درمان مصدومیش به‌دلخوری به مونتو نگرو رفت. باکیج از روز دوم اردوی قطر به تمرینات پرسپولیس اضافه شد و به نظر می‌رسد تمرینات اختصاصی‌اش را آغاز کرده است اما سؤال اساسی این است که او چه زمانی شرایط بازی پیدا خواهد کرد و اوسمار کی به او اعتماد می‌کند؟

با توجه به سیستمی که اوسمار برای تیمش انتخاب کرده، یک هافبک دفاعی در کنار یک هافبک تهاجمی در مرکز زمین قرار می‌گیرند و با توجه به تعدد هافبک‌های میانی حتی در صورتی که یاسین سلمانی جدا شود، باز هم کار برای باکیج دشوار خواهد بود.باکیج به احتمال زیاد شانس بازی در دومین دیدار کنار کاتی سرخ‌ها مقابل شانگهای را هم نخواهد داشت و بدون اینکه شرایط بازی را تست کند وارد مسابقات نیم‌فصل دوم لیگ برتر می‌شود و احتمالاً حداقل دو سه بازی نخست سرلک جای او را پر کرد و حالا بیرون گذاشتن این بازیکن به خاطر نمایش‌های قابل توجهی در ترکیب سخت شده کما اینکه اوسمار قبلاً با سرلک کار کرده و توانایی‌های او را کاملاً می‌شناسد. در عین حال علیرضا عنایت‌زاده جوان هم در این سبت می‌تواند بازی کند اما اینکه بحث اضافه شدن یک هافبک دفاعی متخصص از نوع چارجی‌اش هم شنیده می‌شود که اگر این‌گونه باشد اوضاع برای هافبک مونتو نگرویی پرسپولیس بسیار سخت خواهد شد. با این وجود باید دید اوسمار به این بازیکن چگونه است؟ مثلاً امکان دارد حتی در صورت جذب هافبک دفاعی خارجی، اوسمار از باکیج در پست هافبک تهاجمی و به جای سروش رفیعی استفاده کند؟ پستی که ظاهرًا او با بازی در آق، راحت‌تر است و احتمالاً این برچود دارد.ا باکیج در نیم‌فصل دوم به جای رقابت با سرلک، عنایت‌زاده و هافبک دفاعی جدید خارجی، رقیبی تازه برای سروش و خاندانه‌پلو شد.

مهندسی معکوس مسی‌ها در لیگ برتر

فوتبال کشورمان با حضور تیم‌های فوتبال صنایع مس عجبین شده است. مس کرمان زیادی لیگ برتر فوتبال کشورمان با سر کرمان خو گرفته بود و حتی بازیکنانی از این تیم به تیم ملی کشورمان راه یافتند و قدمت مس کرمان در لیگ برتر با تعداد زیادی از تیم‌های حال حاضر لیگ برتر می‌تواند برابری کند. اما حالا از این تیم خبری نیست و حتی این تیم در لیگ دسته اول فوتبال هم جایگاه خوبی ندارد. از طرف دیگر مس رفسنجان چند فصلی است که توانسته خودش را به لیگ برتر تحمیل کند و اتفاقاً فصل گذشته فصل از رقابت‌ها مس رفسنجان هم اصلاً وضعیت خوبی ندارد و در پایان نیم‌فصل اول رقابت‌ها، با وجود تغییرات زیاد، قهرنشین است و برعکس سایر تیم‌ها در جدول رده‌بندی که فاصله امتیازی خیلی کمی با همدیگر دارند، مس رفسنجان با ۸ امتیاز و اختلاف ۵ امتیازی از رده یازدهم، در رده شانزدهم ایستاده است. حداقل روی کاغذ مس رفسنجان خیلی امیدوی به ادامه حضور در لیگ برتر ندارد و حتی در صورت عملکرد خوب در نیم‌فصل دوم هم به نظر می‌رسد که می‌تواند این تیم را یکی از تیم‌های سقوط کرده به حساب آورد.

● دلار ۹۳٫۴۰۰ ● یورو ۱۰۸٫۸۲۰ ● پوند ۱۲۵٫۴۸۰ ● درهم ۲۵٫۵۵۰ ● لیر ۲۰٫۳۰۰ ● سکه ۸۵٫۴۵۰٫۰۰۰ ● سکه بهار آزادی ۷۶٫۶۱۰٫۰۰۰ ● نیم سکه ۴۵٫۲۰۰٫۰۰۰ ● ربع سکه ۲۶٫۷۴۰٫۰۰۰ ● سکه گرمی ۱۴٫۸۰۰٫۰۰۰ ● طلای ۱۸ عیار ۷٫۵۹۰٫۰۰۰ ● طلای ۲۴ عیار ۱۰٫۱۰۰٫۰۰۰ ●

روزنامه
دراقتصاد
www.marzeghtesad.ir
یكشنبه ۲۱ دی ماه ۱۴۰۴ شماره ۸۴۰
www.marzeghtesad.ir

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوبن

مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی

چاپ: جام جم

آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶

تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰

گستره توزیع : سراسری

شرکت توزیع : نشر گستر



ادامه قطع برق در تابستان ۱۴۰۵

مر ترضی اکبری - به دنبال ناترازی های ایجاد شده در حوزه برق، تابستان ۱۴۰۴ خاموشی ها هم بر بخش خانگی و هم صنایع اعمال شد.

در شرایطی که صنعت از قطع برق در فصل سرد سال نیز در امان نیست، مسوولان وزارت نیرو وعده برق بدون خاموشی در تابستان ۱۴۰۵ را می دهند. مصطفی رحبی مشهدی، مدیرعامل توانیر معتقد است که با مدیریت مصرف، افزایش تولید، هوشمندسازی و تقویت شبکه، هدف‌گذاری این شرکت تامین پایدار برق بدون اعمال خاموشی بر بخش خانگی است. «دنیایاقتصاد» در گفت‌وگو با فعالان و کارشناسان حوزه انرژی به ارزیابی این ادعا پرداخته است.

ادامه قطع برق در تابستان ۱۴۰۵
کارشناسان با پیش‌بینی افزایش ناترازی برق در سال آینده با توجه به افزایش مداوم مصرف معتقد هستند که صرفا در صورتی این وعده قابل تحقق است که وزارت نیرو از تامین برق صنایع بیش از پیش چشم‌پوشی کند تا برق بخش خانگی تامین شود. آنها با تاکید بر واقعیت‌های موجود در حوزه تولید و مصرف برق، از راهکارهایی صحبت می‌کنند که در کوتاه‌مدت و در تابستان سال آینده می‌تواند قدری از ناترازی برق موجود را کاهش دهد.

به جای کتمان واقعیت،صادق باشیم

هاشم اورعی، عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف به خبرنگار «دنیایاقتصاد» گفت: اگر منظور توانیر از برق بدون خاموشی این باشد که برق بخش مولد اقتصاد را قطع کند تا برق موردنیاز مردم تامین شود و آنها اعتراض نکنند، این کار ممکن است. اما این اقدام به کلی اشتباه است. اما اگر منظور این باشد که بعد از تامین برق موردنیاز بخش مولد اقتصاد، برق بخش‌های غیرمولد مانند خانگی، کشاورزی، عمومی، تجاری و اداری هم تامین شود، این موضوع کاملا غیرممکن است. قطعا در تابستان سال آینده امکان تامین برق برای تمام تقاضای کشور وجود ندارد. در سال جاری در اوج مصرف حدود ۲۲هزار مگاوات ناشد برق داشتیم. سالانه حدود ده‌برصد هم افزایش تقاضا داریم. حتی اگر این افزایش تقاضا را در نظر نگیریم تا تابستان سال آینده تقریبا نیروگاه حرارتی جدیدی وارد مدار نخواهد شد.

اورعی گفت: افزایش ظرفیت از طریق انرژی خورشیدی پیش‌بینی شده است. اما انرژی خورشیدی دو مشکل اساسی دارد. اول اینکه فقط برق ظهر را تامین می‌کند و ما سیستم ذخیره‌سازی برای تامین برق غروب و شب نداریم. دوم اینکه برای تامین ۲۲هزار مگاوات ناترازی، باید حدود ۸۸هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی اجرا کنیم. این به شرطی است که باتری برای ذخیره‌سازی داشته باشیم که نداریم. پیش‌بینی من این است که تا زمان اوج مصرف سال آینده، نهایتا می‌توانیم حدود ۵هزار مگاوات برق خورشیدی اضافه کنیم. بنابراین به دلایل فنی، اجرایی و عقلانی، قطعا در اوج مصرف سال آینده امکان تامین برق پایدار برای همه بخش‌های اقتصاد وجود نخواهد داشت. وی با بیان اینکه سال آینده با بیش از ۲۰هزار مگاوات ناترازی برق مواجه خواهیم شد، گفت: مسیر فعلی کاملا غلط است. ما تمام تخم‌مرغ‌ها را در سبد خورشیدی قرار داده‌ایم. در حالی که خورشیدی در بهترین حالت فقط یک اوج مصرف که آن هم ظهر است

نسل امروز را دستکم گرفته‌اند؟

از مهدی صباغ زاده تجلیل شد. فریدون جبرانی، منتقد سینما، در این مراسم گفت: «مهدی صباغ‌زاده از سینماگران نسل سوم محسوب می‌شود که بعد از سال ۱۳۵۹ و بعد از انقلاب اسلامی به سینما ورود کردند. در واقع، بسیاری از کارگردانان خوبی ما از نسل سوم هستند که از جمله آنها می‌توان به کیانوش در این دسته هستند.

عنوان سایر مصارف گفته شده است که حدود ۸درصد است. به مجموع این اعداد باید ۱۱درصد تلفات برق را هم اضافه کنیم. مساله‌ای که در اینجا وجود دارد این است که چرا باید این میزان تلفات برق داشته باشیم. وی افزود: از طرف دیگر بحث راندمان نیروگاه‌ها مطرح است. اگر راندمان نیروگاه‌ها اصلاح شود، آن وقت می‌توانیم امیدوار باشیم که مصرف برق کنترل شود و خاموشی نداشته باشیم.

اما آماري که از مراکز تحقیقاتی وابسته به خود وزارت نیرو اعلام شده، نشان می‌دهد نیروگاه‌هایی داریم که راندمانشان بین ۷ تا ۱۵درصد است. این عدد حاکی از راندمان پایین و همچنین این موضوع است که انرژی مصرف می‌کنیم، اما نمی‌توانیم نیاز برق کشور را تامین کنیم.

وی در ادامه تاکید کرد: جریان توسعه در برق باید به‌طور جدی دنبال شود، چرا که هم فرآیند اقتصادی و هم اجتماعی دارد و نیازمند دگرگونی است. وزیر نیرو هم این موضوع را پذیرفته‌اند. ما معتقد هستیم که اگر قرار است این اتفاق بیفتد، بخش خصوصی می‌تواند کمک کند، چون سرمایه‌گذاری به عنوان موتور محرک اقتصادی نقش کلیدی در رشد، اشتغال‌زایی و رفاه عمومی دارد و برق یکی از عوامل اصلی رفاه عمومی در جامعه است. بنابراین یا دولت باید مستقیماً سرمایه‌گذاری کند یا از بخش حوصی کمک بگیرد. پدیدار عنوان کرد: طبق گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران روند سرمایه‌گذاری در ایران نزولی شده و میانگین آن به منفی ۴۰۷۹درصد رسیده است. وقتی سرمایه‌گذاری کاهش پیدا می‌کند، این سوال مطرح می‌شود که چگونه می‌خواهیم پشتیبانی تولید برق داشته باشیم. در حال حاضر وضعیت سرمایه‌گذاری ما به سطح سال ۱۳۹۰ و حدود ۱۵ سال به عقب برگشته است. اگر بخواهیم رشد سالانه ۱۰درصد را حفظ کنیم، نیاز جدی به سرمایه‌گذاری داریم.

وی توضیح داد: در حوزه سرمایه‌گذاری به‌خصوص در بخش انرژی، چالش‌های زیادی از جمله نوسانات اقتصادی، ارزی، بوروکراسی پیچیده و تورم بالا وجود دارد که پیش‌بینی‌پذیری سرمایه‌گذاری را دشوار می‌کند. ما مشوق‌های سرمایه‌گذاری که جذابیت سرمایه‌گذاری مولد به‌ویژه در حوزه انرژی و برق را ایجاد کند، نداریم. در چنین شرایطی صنعت برق درجا می‌زند. با توجه به رشد مصرف، رشد جمعیت و افزایش تقاضای رفاه، نه تنها سال آینده بی‌نیاز نمی‌شویم، بلکه نیازمندتر هم خواهیم شد. وی گفت:از طرف دیگر اگر بخواهیم طرح‌های توسعه برق را اجرا کنیم، کمبود برق را جبران کنیم، در این مسیر با محدودیت‌های بین‌المللی و کاهش تعاملات اقتصادی روبه‌رو هستیم و عملا جذب سرمایه‌گذاری خارجی نداریم. فرسودگی سیستم‌های تولید و انتقال برق به‌ویژه زیرساخت‌ها نیز از موضوعات مهم است. این بخش‌ها نیاز به سرمایه‌گذاری‌های جدید دارد تا بتوان این عقب‌ماندگی را جبران کرد. خروج سرمایه‌های انسانی و مالی از کشور هم مساله‌ای جدی است.

به گفته پدیدار، کمبود تولید برق نسبت به تقاضا در سال آینده از ۲۰درصد هم فراتر خواهد رفت. رشد مصرف همچنان ادامه دارد. اگر سرمایه‌گذاری جدید انجام شود، این امیدواری ایجاد می‌شود که فاصله تولید و مصرف برق در کشور جبران شود، اما تا زمانی که این شکاف وجود دارد، اطمینانی برای نداشتن خاموشی در سال آینده وجود ندارد. البته سرمایه‌گذاری زمان‌بر است و بازدهی آن به ۳ تا ۵ سال آینده برمی‌گردد. حتی اگر امروز سرمایه‌گذاری را آغاز کنیم، نتیجه آن چند سال بعد مشخص می‌شود. در شرایط فعلی که سرمایه‌گذاری با تورم افسار گسیخته مواجه است، باید راندمان نیروگاه‌ها را افزایش داد و تلفات ۱۱درصدی برق را کاهش داد.

تشدید خاموشی‌های صنعت

امین کشتی، کارشناس صنعت برق در گفت‌وگو با «دنیایاقتصاد» گفت: باید مشخص شود ناترازی برقی که وجود دارد از کدام کانال قرار است جبران شود که وعده عدم‌خاموشی مطرح می‌شود. طبیعتا در این باره زمانی کوتاه، تولید بزرگ انرژی نداشتیم، نیروگاه بزرگ احداث نکردیم و صرفا تمرکز روی نیروگاه‌های تجدیدپذیر بوده است. نیروگاه‌های تجدیدپذیر هم عمدتا از نوع خورشیدی هستند و باتری برای ذخیره ندارند. این نیروگاه‌ها صرفا پیک ظهر را می‌توانند مدیریت کنند و در زمان غروب کمکی نمی‌کنند. تا به امروز از انرژی خورشیدی غفلت کرده بودیم و در حال حاضر تمام توجه به این سمت رفته است. باید از تمام راهکارهای موجود برای افزایش تولید استفاده کنیم تا اگر یک بخش دچار افول شد، بخش دیگر بتواند آن را جبران کند. البته اگر سیاست‌هایی مثل تغییر ساعت رسمی دوباره اجرا شود، تا حدی به جابه‌جایی ساعت پیک کمک می‌کند.

کشتی افزود: البته یک بحث دیگر هم وجود دارد، شاید این برنامه وجود دارد که حجم خاموشی به صورت گامی و به سمت صنعت منتقل شود، به صورتی که به مصارف سنگین خاموشی تحمیلی دهند و ساعات آن را افزایش دهند. وی توضیح داد: از یک طرف با توجه به مشکلاتی که وجود داشت به سمت احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر یا سایر منابع تولید انرژی رفته‌ایم و این بخش در حال رشد است. از طرف دیگر شاهد رشد مصرف هستیم. شاید رشد مصرف در بخش صنعتی چندان چشمگیر نباشد، اما در بخش مسکونی این موضوع مشهود است. ما تابستان گرمی را پشت سر گذاشتیم و در برخی استان‌ها تابستان گذشته اولین تابستانی بود که تعداد روزهای گرم سال بسیار بیشتر از حالت عادی بود. طبیعتا این موضوع باعث گرایش به استفاده از تجهیزات تهویه مطبوع می‌شود. بنابراین اگر نرخ رشد مصرف نسبت به تولید افزایش یابد، ناترازی قبلی باقی می‌ماند و مقداری هم به آن اضافه می‌شود. این کارشناس صنعت برق گفت: در مدت کوتاهی امکان احداث نیروگاه حرارتی جدید وجود ندارد. صرفا می‌توان به اورهال و افزایش ظرفیت نیروگاه‌ها پرداخت. البته این اقدامات هزینه‌بر است و در برخی موارد به دلیل نبود قطعات و مشکلات تحریم عملا قابل انجام نیست. کشتی درخصوص راهکارهای کاهش مصرف برق نیز گفت: در این زمینه دو موضوع وجود دارد. یکی بحث فرهنگ است، برخی به دلیل مشکلات موجود می‌گویند چرا باید مصرفشان را کم کنند و نوعی مقاومت شکل می‌گیرد و صرفه‌جویی نمی‌شود. این جا بحث فرهنگ‌سازی مطرح است و باید این تقابل کاهش پیدا کند. از طرف دیگر برخی تجهیزات قدیمی هستند و مدیریت انرژی در آنها وجود ندارد. اگر بخواهیم مصرف مشترک را در این زمینه کاهش دهیم، هزینه‌هایی نظیر تعویض کولر به او تحمیل می‌شود. لازم است سیاست‌های تشویقی در این زمینه اجرا شود تا افراد برای این کار مجاب شوند.

آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران نیز در گفت‌وگو با خبرنگار «دنیایاقتصاد» بیان کرد: سال گذشته وزیر نیرو همین وعده‌ها را مطرح می‌کرد، اما در نهایت از مردم عذرخواهی کرد. اتفاق خاصی برای افزایش تولید برق رخ نداده است. نهایتا اگر دولت بتواند ۳ تا ۴هزار مگاوات انرژی تجدیدپذیر را وارد مدار کند و این ظرفیت به شبکه متصل شده باشد، در بهترین حالت می‌تواند حدود ۱۵۰۰ مگاوات از کسری برق کشور را تامین کند.



عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف به خبرنگار «دنیایاقتصاد» گفت: اگر منظور توانیر از برق بدون خاموشی این باشد که بخش مولد اقتصاد را قطع



عیاری، رخشان بی‌اعتماد، پوران درخشنده، مسعود جعفری جوزانی و ابراهیم حاتمی‌کیا اشاره کرد.

بخشی از فیلم‌سازان نسل سوم از دل سینمای آزاد بیرون می‌آیند و کیانوش عیاری، مهدی صباغ‌زاده و مجید جوانمرد، در این دسته هستند.

تأثیر هوش مصنوعی بر نثر رسانه‌ها

در سال‌های اخیر، برخی واژه‌ها با لحن نیمه‌رسمی و دانشگاهی با افزایش محسوسی در متون روبه‌رو شده‌اند؛ واژه‌هایی که بسیاری از کاربران آنها را از نشانه‌های شاخص نثر تولیدشده توسط «چت‌جی‌بی‌تی» می‌دانند. ناظران متعدد به الگوهای تکرارشونده در متون تولیدشده با هوش مصنوعی اشاره کرده‌اند؛ از رواج سریع واژه‌هایی که پیش‌تر کمتر به کار می‌رفتند تا ساختارهای جمله‌ای قالبی که بارها در یک متن تکرار می‌شوند.

در شبکه‌های اجتماعی، تشخیص متون تولیدشده با هوش مصنوعی به نوعی سرگرمی تبدیل شده است. در بریتانیا، برخی نمایندگان مجلس و خبرنگاران سیاسی از افزایش سخنرانی‌هایی خبر داده‌اند که با عبارتهایی رسمی و قالبی آغاز می‌شوند؛ موضوعی که به استفاده از سامانه‌های هوش مصنوعی در نگارش نطق‌ها نسبت داده می‌شود. حتی کاربران برنامه‌های دوست‌یابی نیز درباره اصالت متن معرفی افراد تردیدهایی مطرح می‌کنند. در این میان، تفاوت‌های ظریف در نشانه‌گذاری نیز به‌عنوان نشانه‌ای از متن ماشینی مطرح شده و همین موضوع واکنش مدافعان برخی علائم نگارشی را برانگیخته است.بخش قابل‌توجهی از متونی که امروز در فضای مجازی با تردید به آنها نگریسته می‌شود، ممکن است واقعا توسط هوش مصنوعی تولید شده باشند. سامانه «چت‌جی‌بی‌تی» اخیرا به حدود هشتصدمیلیون کاربر هفتگی رسیده و بر اساس یک نظرسنجی انجام‌شده در شش کشور، ۲۲ درصد پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند هر هفته از ابزارهای هوش مصنوعی مولد استفاده می‌کنند. داده‌های یک پایگاه بزرگ گردآوری‌شده از این‌ترنتی نیز نشان می‌دهد که اندکی بیش از نیمی از مقاله‌های تازه منتشرشده در وب توسط سامانه‌های هوش مصنوعی نوشته شده‌اند.

ایسن حال، فراتر از حدس و گمان و ترفندهای تشخیصی، این پرسش مطرح است که آیا راهی علمی برای تشخیص متون تولیدشده با هوش مصنوعی وجود دارد و مهم‌تر از آن، این فناوری چه تأثیری بر زبان انسان می‌گذارد. در گفت‌وگو با دو زبان‌شناس و یک روزنامه‌نگار متخصص در حوزه هوش مصنوعی و سواد رسانه‌ای، پژوهش‌های موجود، تأثیرات احتمالی بر زبان و پیامدهای آن برای روزنامه‌نگاری بررسی شده است.

این بحث بر زبان انگلیسی متمرکز است؛ زبانی که هم در خط مقدم توسعه مدل‌های بزرگ زبانی قرار دارد و هم بیشترین پژوهش‌ها درباره زبان انسان بر آن انجام شده است. این مدل‌ها معمولا در زبان‌هایی عملکرد بهتری دارند که منابع متنی گسترده‌تری در اختیارشان است؛ مساله‌ای که به زبان زبان‌های کم‌منبع، زبان‌هایی که بیشتر گفتاری هستند یا آنهایی که تفاوت چشم‌گیری میان شکل گفتاری و نوشتاری دارند، تمام می‌شود.

تام اس، جوزک، استادان زبان شناسی محاسباتی دانشگاه ایالتی فلوریدا، با تاکید بر دشواری اثبات رابطه علی می‌گویند در گفتمان عمومی اغلب نتیجه‌گیری‌های شتابان‌زدای دربارۀ تأثیر هوش مصنوعی بر زبان مطرح می‌شود. درحالی‌که نشان دادن این‌ن تاثیر به‌صورت علمی کار ساده‌ای نیست. با این حال، یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد، سامانه «چت‌جی‌بی‌تی» بر برخی واژه‌های نیمه‌رسمی و دانشگاهی را بیش از حد به کار می‌برد و همین واژه‌ها در متون علمی و رسانه‌ای انسانی نیز رو به افزایش هستند.

در پژوهشی که جوزک و یکی از همکارانش انجام داده‌اند، واژه‌هایی که بدون دلیل مشخصی با افزایش ناگهانی در متون علمی روبه‌رو شده بودند، با واژه‌های پرترکر در چکیده‌های علمی تولیدشده توسط هوش مصنوعی مقایسه شد. نتیجه این بررسی شناسایی مجموعه‌ای از واژه‌ها بود که افزایش کاربرد آنها در زبان علمی انگلیسی احتمالا به استفاده از سامانه‌های هوش مصنوعی مرتبط است. با این حال، پژوهشگران تاکید می‌کنند این موضوع الزاما به معنای استفاده مستقیم نویسندگان از این ابزارها نیست، زیرا همین واژه‌ها در فضاهایی مانند یادکست‌های گفت‌وگومحور نیز افزایش یافته‌اند؛ فضاهایی که احتمال استفاده از متن ماشینی در آنها کمتر است.

پژوهشی دیگر به سرپرستی هیروما یاکورا در موسسه ماکس پلانک برلین نشان می‌دهد واژه‌هایی که سامانه‌های هوش مصنوعی بیش‌از‌حد از آنها استفاده می‌کنند، پس از عرضه گسترده این ابزارها در یادکست‌ها و سخنرانی‌های دانشگاهی منتشرشده در فضای مجازی نیز رشد قابل‌توجهی داشته‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد انسان‌ها در نتیجه مواجهه مداوم با متون تولیدشده توسط هوش مصنوعی، به‌تدریج این واژه‌ها را در گفتار و نوشتار خود به کار می‌گیرند.

در پروژه‌ای پژوهشی در دانشگاه ایالتی فلوریدا نیز نتایج مشابهی به دست آمده است، هرچند پژوهشگران تاکید می‌کنند که نمی‌توان با قطعیت گفت افزایش این واژه‌ها صرفا ناشی از هوش مصنوعی است و تغییرات طبیعی زبان نیز می‌تواند در این روند نقش داشته باشد.در پژوهشی دیگر، پژوهشگران برای نزدیک شدن به رابطه علی، چکیده‌های علمی را به دو بخش تقسیم کردند و از سامانه‌های زبانی خواستند نیمه دوم متن را تولید کنند. مقایسه این بخش‌ها با نسخه انسانی نشان داد

عکس نوشت



کارتون



هفته پانزدهم لیگ

بر تر فوتبال ایران؛

سپاهان – چادرملو

اینفوگرافیک

